آينده پژوهي مهدوي

حجت الاسلام و المسلمين رحيم كارگر

چكيده

«آينده‌پژوهي» شناخت آينده در موضوعات و پديده‌هاي مختلف اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي، سياسي و فن‌آوري است که امکان انتخاب، برنامه‌ريزي و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و مؤثر فراهم مي‌سازد. در واقع آينده‌پژوهي در صدد ايجاد دورانديشي و آينده‌شناسي در سطوح مختلف زندگي بشري است تا ضمن بيان اهميت و ضرورت توجه به رويداد‌ها و تحولات فراروي جهان، توانايي برخورد سنجيده و مناسب با آنها را فراهم سازد و يا الگوها و سناريوهاي مطلوب و موجهي براي آن ارائه دهد. از آنجايي که بخش مهمي از «آموزه مهدويت» توجه به آينده و بايستگي آمادگي، برنامه‌ريزي و زمينه‌سازي براي شکل‌گيري «آينده مطلوب» است، مي‌تواند در بعضي از روش‌ها و نگرش‌ها پيوندهايي با «آينده‌پژوهي» داشته باشد. در ضمن اينکه خود جامع مؤلفه‌هاي مطالعه و کاوش درباره آينده است و مي‌تواند دانش جديدي را تحت عنوان «آينده‌پژوهي مهدوي» شکل دهد. اين پژوهش عهده‌دار تبيين اين دو بخش است؛ يعني بيان چيستي آينده‌پژوهي و شکل‌گيري آينده‌پژوهي مهدوي.

كليد‌واژه‌ها: آينده‌پژوهي، مهدويت‌پژوهي، آينده‌پژوهي مفهومي، آينده‌پژوهي عرفي، علم الانتظار.

پيش درآمد

توجه و نگاه به آينده و كاوش و كنكاش دربارة آن به هر شكل جزء آينده‌شناسي قرار مي‌گيرد؛ چه اين نگاه به نيت درك و فهم آينده باشد؛ چه جهت پيش‌بيني و تعميم يافته‌ها؛ چه برنامه‌ريزي و سياست‌گذاري‌هاي كلان و جزئي و چه بررسي و شناخت انديشه‌ها و ديدگاه‌ها. اما لزوماً آينده پژوهي ـ به معناي مصطلح آن ـ محسوب نمي‌شود. مهم‌ترين ركن «آينده‌پژوهي» درك و شناخت سامان‌مند آينده و ترسيم و تصوير وضعيت‌هاي ممكن و محتمل از آن و حركت به سمت وضعيت مطلوب و مرجّح است. تصوير و ترسيم بشر از آينده، مي‌تواند متكي بر مؤلّفه‌ها و انگاره‌هاي مختلفي باشد؛ از جمله:

ـ حدس‌ها و گمانه‌زني‌هاي شخصي؛

ـ پيش‌بيني بر اساس قراين و شواهد مختلف سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي (براي زمان‌هاي كوتاه مدت و بلند مدت)؛

ـ تجربيات تاريخي و الگوها، قوانين و سنّت‌هاي مستخرج از تاريخ (عموماً مبتني بر فلسفة نظري تاريخ)؛

ـ رويكردهاي تجربي مبتني بر قوانين علمي (قوانين علّي و شرط و مشروط)؛

ـ گمانه زني‌ها و خيال‌پردازي‌هاي ادبي، هنري، فلسفي و … (نويسندگان رمان‌هاي آينده‌نگر و «يتوپيا» نويسان و…)؛

ـ آينده‌نگري براساس ستاره‌شناسي، اختربيني، طالع‌بيني و اوضاع كواكب و … (عموماً بر پايه بعضي از الگوهاي مكتوب و ثابت نشده)؛

ـ آينده نگاري رمز گرايانه و رمّالانه و شاعرانه (مبتني بر بعضي از فنون و علوم ابجد گونه و اعداد و … كه به علت رمز آلودگي و دو پهلويي جاذبه خاصي دارد)؛

ـ كشف مجهولات آينده براساس رياضت‌هاي روحي و توجهات و نگرش‌هاي شهودي و …؛

ـ آينده‌نگري براساس علم غيبي اوليا و صالحان (مكاشفه و شهود و …)؛

ـ آينده‌سازي براساس طرّاحي و برنامه‌ريزي نهادها، مؤسسات و گروه‌هاي ذي‌نفع (مبتني بر تحليل‌ها و برداشت‌هاي دانشمندان، نظريه‌سازان و تحليل‌گران نظام بين‌الملل)؛

ـ احتمالات و پيش‌بيني‌هاي مديريتي، صنعتي، زيست محيطي و … (مبتني بر پيامدشناسي، پيشرفت‌شناسي، هشدارگري و…)؛

ـ پيش‌گويي‌هاي وحياني (مبتني بر كتاب‌هاي آسماني به خصوص قرآن و روايات معصومين).

اعتبار و صدق و كذب گزاره‌هاي ياد شده، محل بحث و بررسي است كه از گستره اين نوشتار خارج است؛ ولي به نظر ما تنها گزاره يقيني و قطعي، پيش‌گويي‌هاي وحياني و غيبي است. اين گزاره‌، براساس علوم غيبي است كه خداوند در اختيار پيامبران و اوليا قرار داده و يا در كتاب‌هاي آسماني ذكر كرده است.

در هر حال نگاه به آينده، پيشينه‌اي به فراخناي زندگي بشري دارد و «آينده‌نگري» مسيرها، مراحل و گذرگاه‌هاي مختلفي را طي كرده و از گمانه‌زني، اختر بيني، يتوپيا نويسي، فلسفة نظري تاريخ و … به «آينده‌پژوهي» رسيده است. در واقع آينده‌پژوهي، شكل نظام‌مند و سازمان يافته نگاه به آينده است كه مي‌تواند در بسياري از طيف‌هاي آينده‌نگري كارآيي داشته و آنها را روش‌‌مندتر، كاربردي‌تر و عصري‌تر كند.

«آينده‌پژوهي»، توجه به آينده را جدّي‌تر و عيني‌تر كرده و آن را وارد فضاي حقيقي زيست انساني نموده است؛ در حالي كه بسياري از شكل‌هاي آينده‌نگري، مجازي و غير واقعي هستند. البته، فلسفة نظري تاريخ، عمدتاً شكل علمي و كلان آينده‌نگري است كه بر امتداد روندهاي تاريخي صحّه مي‌گذارد و توانايي «تفسير بزرگ» از تغييرات و تحولات اجتماع بشري را بر عهده دارد. اما امروزه نگاه به آينده و پيش‌بيني آن، تبديل به ابهام‌زدايي از آن، فهم نسبتاً درست دگرگوني‌ها و تسلّط بر آينده شده است. پس در اين رويكرد، صرفاً تكيه بر يافته‌هاي تاريخي و فلسفي دانشمندان (نظم‌ها و قوانين تاريخي) نيست؛ بلكه هر دليل و مستندي كه بتواند در كشف رويدادها دخيل باشد، مورد توجه قرار مي‌گيرد (البته براساس شيوه و روش‌هاي خاص آن). مهم‌تر از آن، آمادگي براي تحولات فرا رو و طراحي نظام‌مند آينده و كوشش‌ براي تعيين آگاهانه و ارادي تاريخ، از مؤلفه‌هايي است كه به طور جدّي، در آينده‌پژوهي مورد توجه است. هر گونه آينده‌نگري، به شناخت آينده نياز دارد و آينده‌شناسي نيز بر انگاره‌ها و پيش فرض‌هايي در خصوص وجود نوعي پيوند و توالي ميان حوادث و رويدادهايي است كه «آينده‌پژوهي» آنها را سامان مي‌بخشد.

در وراي همة آينده‌نگري‌ها و آينده‌نگاري‌ها در طول تاريخ، همواره بشر شاهد آينده‌شناسي ديني بوده است. اين آينده‌شناسي، نگاهي روشن و جامع به كلّ تاريخ و پيش‌گويي حتمي و فراگير آينده است. «قرآن» و «روايات معصومين عليهم السلام» در شريعت اسلام، نمونه كامل اين آينده‌شناسي وحياني و غيبي هستند و موارد فراواني از اين پيش‌گويي‌ها، در طول تاريخ محقّق شده است. البته علم به آينده فقط در دست خداوند است و او است كه پيامبران و حجّت‌هاي خود را از آن آگاه مي‌سازد تا دليلي بر حقانيت آنها و معجزه‌اي بر راستي آنها باشد.

مهم‌ترين بعد آينده‌شناسي اسلام و در واقع جلوه‌گري غايت‌مندي تاريخ و نظريه جامع و كامل «نجات گرايانه» دين، «آموزة مهدويت» است. اين آموزه‌، آينه تمام‌نماي پيش‌گويي وحياني دين اسلام و آينده‌اي حتمي، روشن، فراگير، مطلوب و موعود امم است. «آموزه مهدويت»، پاسخ‌گويي به بسياري از دغدغه‌ها و سؤال‌هاي انسان در طول تاريخ و چشم‌اندازي الهي و ايماني به جامعه‌اي برتر و كارآتر است.

همة ابعاد و مؤلّفه‌هاي يك «آينده‌پژوهي» در اين آموزه وجود دارد: هم تفسير كلان از حيات معقول بشري و فرجام شناسي تاريخ (فلسفه نظري تاريخ) است؛ هم تصوير و ترسيم روشني از وضعيت‌هاي مختلف (و در نهايت وضعيت حتمي) و هم راه‌ و نظام رسيدن به آن. بر اين اساس پيوند وثيقي بين آينده‌پژوهي و مهدويت‌پژوهي وجود دارد. مهدويت‌پژوهي، كاوش نظام‌مند تاريخي، اجتماعي، سياسي، كلامي و تفسيري «آموزه مهدويت» و شناخت و فهم آينده بر اساس آن است.

اين نوشتار درصدد پاسخ‌گويي به اين پرسش است كه: «آيا مي‌توان طرحي دربارة آينده‌پژوهي مهدوي داشت؟» به عبارت روشن‌تر «مسأله‌ علمي» اين تحقيق چيستي «آينده‌پژوهي» و شکل‌گيري دانش «آينده‌پژوهي مهدوي» است.

به همين جهت ابتدا چيستي «آينده‌پژوهي» مورد بحث قرار مي‌گيرد و سپس دربارة زمينه‌ها و ظرفيت‌هاي بهره‌گيري از آن در «مهدويت‌پژوهي» بحث مي‌شود.

يك. آينده‌پژوهي

آينده‌پژوهي (Futures Studies)، آينده شناسي (Futurology)، آينده نگاري (Foresight)، پيش‌بيني (Forecast) و … اصطلاحات و واژه‌هايي‌ها است كه كم و بيش در نوشته‌ها و رويكردهاي علمي و پژوهشي ديده مي‌شود. در واقع امروزه رشته‌هاي علمي جديدي كه هدفش مطالعه منظم آينده است، معروف به آينده‌پژوهي، آينده‌نگري و يا پژوهش‌هاي معطوف به آينده ناميده مي‌شود و كارشناسان و پژوهشگران آن، ‌آينده‌پژوه (Futurist) نام دارند.

آينده‌پژوهي: «به عنوان يك مقولة ميان رشته‌اي در پي كشف و شناسايي آينده‌هاي ممكن، محتمل و مطلوب و كاربست آن در زمان حال است. هدف آينده‌پژوهي، توليد روش‌مند دانش راهنما و استفادة بيشتر از ملاحظات آينده محور در فرآيند تصميم‌گيري است.[1]

آينده‌پژوهي شكل خاصي از پرداختن به آينده است و بر مؤلفه‌هايي چون تداوم روندهاي تاريخي، امكان آمادگي براي رو به رو شدن با آينده، رصد كردن تغييرات و تحولات ممكن و … دلالت دارد. اهميت و ضرورت «آينده‌پژوهي» امروزه بر کسي پوشيده نيست؛ زيرا براي رويارويي با تغييرات اقتصادي و اجتماعي، سيستم‌هاي علمي و تکنولوژي، بايستي يا از طريق سازگار کردن تکنولوژي‌هاي فعلي و يا ايجاد و به کارگيري تکنولوژي‌هاي جديد، قادر به پاسخ‌گويي و تغيير باشند. ارزش آينده‌پژوهي در آن است که يک فرصت ساختار يافته را براي نگاه به آينده، و بررسي نقش علم و تکنولوژي در آينده فراهم مي‌آورد و بدين ترتيب زمينه و بستري مناسب را جهت سياست‌گذاري علم و تکنولوژي و… براي کشورها فراهم مي‌کند.[2] امروزه آينده‌پژوهي وسيله و روش مناسب و مفيدي براي برنامه‌ريزي و تصميم‌گيري در زمينه‌هاي مختلف ـ به‌خصوص اقتصاد، فن‌آوري و سياست ـ است و مي‌تواند افق ديد (چشم‌انداز) کشورها را نسبت به آينده، تغيير دهد و در سطوح مختلف ملي، منطقه‌اي و حياتي آنها را به فعاليت وادارد.

آينده‌پژوهي، جست‌و‌جو و كنكاش عالمانه دربارة وضعيت زندگي بشري در آينده و دستيابي به نظم‌ها و الگوهايي است كه بتوان براساس آنها، آينده را پيش‌بيني نمود. آينده‌پژوهي تأمل و واكاوي منظم و منسجم دربارة آينده جهت نيل به شناخت تغييرات و تحوّلات مستمرّ و امكان تطابق و برنامه‌ريزي براي آنها است؛ يعني نگاه موشكافانه و نظام‌مند به موقعيت‌هاي مختلفي كه در آينده براي زندگي سياسي، اجتماعي، اقتصادي و فرهنگي بشر احتمالاً به وجود مي‌آيد و ارائه راهكارهايي براي آمادگي و رسيدن به موقعيت‌هاي مطلوب و احتمالي است.

بر اين اساس به نظر برخي: «آينده‌پژوهي، يكي از روش‌هاي مدرن مطالعة آينده است و از شاخه‌هاي فناوري‌هاي نرم محسوب مي‌شود. البته هدف اين علم نه تنها كشف آينده؛ بلكه اساساً مهندسي هوشمندانه آينده است. به همين دليل است كه آينده‌پژوهي جزو فناوري‌هاي نرم است و امنيتي جهت‌دار به شمار مي‌آيد».[3]

آينده‌انديشي (آينده‌پژوهي) محصول نوعي رويكرد كم و بيش جديد، براي حل مسائل يا دستيابي به نوعي دانش و اطلاع در حوزه‌هاي مختلف است. دانش و اطلاعاتي که در مجموع تصويري از تحولات احتمالي در آينده را به شخص ارائه مي‌دهد. دكارت زماني در قرن هفدهم اعلام داشت: «هر آنچه قابل تصور است، امكان‌پذير است».

آينده‌انديشان در هر حوزه و قلمروي كه به فعاليت و پژوهش سرگرم باشند، مي‌كوشند با تصويركردن شمار هر چه بيشتري از آينده‌هاي ممكن (در حد توانايي ذهني خود)، زمينه را براي مشخص ساختن آينده‌هاي محتمل از درون اين آينده‌هاي ممكن، آماده سازند. آن‌گاه از ميان اين آينده‌هاي محتمل، مطلوب‌ترين و نامطلوب‌ترين آينده‌ها،‌شناسايي مي‌شود و كوشش مي‌گردد، براي تحقق دسته نخست و جلوگيري از وقوع دسته دوم، ‌برنامه‌ريزي‌هاي مناسبي صورت پذيرد.[4]

1-1- آينده‌پژوهي در آينه تعاريف

تعاريف مختلفي از آينده‌پژوهي صورت گرفته كه مشابهت‌هاي فراواني با هم دارند:

«پيش‌بيني آينده‌، مي‌تواند محصول كاوش سازمان يافته‌اي باشد كه آن را آينده‌‌پژوهي مي‌ناميم».

«آينده‌پژوهي عبارت است از تلاش براي يافتن تصويري از آينده و ارائه توجيهي براي آن تصوير».[5]

گويكان آينده‌پژوهي را چنين تعريف مي‌كند:

فرآيندي سيستماتيك و مشاركتي و گردآورندة «اداراكات آينده» است كه چشم‌انداز ميان مدت تا بلند مدت را با هدف اتخاذ تصميمات روزآمد و بسيج اقدامات مشترك بنا مي‌سازد.[6]

در فرهنگ وبستر آمده است:

آينده‌پژوهي، فرآيند سازماندهي شده و هدفمندي است كه انتظارات بازيگران مختلف در مورد تكنولوژي را گردآوري و چشم‌اندازي‌هاي استراتژيكي در مورد آينده را تدوين مي‌كند تا حامي توسعه اقتصادي و اجتماعي گسترده گردد.

تعريف بن مارتين، مقبوليت بيشتري در ادبيات آينده‌پژوهي دارد. وي مي‌گويد:

آينده‌پژوهي، فرآيند «تلاش سيستماتيك» (نظام‌مند) براي نگاه به آينده بلند مدت علم، تكنولوژي، محيط زيست، اقتصاد و اجتماع مي‌باشد كه با هدف شناسايي تكنولوژي‌هاي عام نو ظهور و تقويت حوزه‌هاي تحقيقات استراتژيكي است كه احتمالاً بيشترين منافع اقتصادي و اجتماعي را به همراه دارند.[7]

با در نظر گرفتن تعاريف ارائه شده و ساير تعاريف، آينده‌پژوهي را چنين تعريف کرده‌اند:

آينده‌پژوهي، مي‌کوشد تا معرفت و انديشه‌اي آينده‌نگرانه را در ميان بخش‌هاي تجارت، دولت و نهادهاي دانش، براي درک فرصت‌ها و تهديدهاي محتمل طي 10 تا 20 سال آينده، در عرصه بازار و تکنولوژي‌ها، ايجاد کند و آن‌گاه با ايجاد و تقويت همکاري ميان اين سه بخش به جهت‌دهي فعاليت‌هاي آنان در راستاي اهداف تعيين شده بپردازد.[8]

تعريف مطلوب نگارنده در صفحات آتي ارائه خواهد شد.

1-2. پيشينة آينده‌پژوهي

آينده‌پژوهي، پيش‌بيني آينده و اساساً قدم نهادن در فراسوي زمان‌ و موقعيت‌ها، همواره از اميال و آرزوهاي ديرينه بشر بوده است. قدرت نامحدود ذهن و تخيل انسان‌ها، هميشه يگانه ابزار نيرومند براي قدم نهادن در آينده بوده و هست. اين قوة تخيل و جريان پوياي ذهن، موجب فرا روي از زمان حال و قدم گذاشتن در آينده‌اي است كه گاهي شگفت‌انگيز و غيرقابل باور مي‌نمايد.

تفكّر دربارة آينده و حوادث آن، سابقه‌اي به ديرينگي تاريخ خود آگاهي بشر دارد؛ همان‌گونه كه مردم همة دوران‌ها، همواره مشتاق كشف و علم به آينده خويش بوده‌اند؛ فعاليت معابد يونان باستان (مثل معبد مشهور دلفي) و رواج و رونق حرفة طالع‌بيني، ستاره‌شناسي، تعبير خواب و … ميان همة ملل و اقوام شاهد اين واقعيت است.

در سال 1519 توماس مور، كتابي با نام يتوپيا (آرمان‌شهر)، منتشر ساخت. اين كتاب نخستين نوشتاري است كه به شيوه موشكافانه، به آينده مي‌پردازد. بعد‌ها نوسترآداموس، با نگارش چندين كتاب ـ از جمله كتاب سده‌ها ـ در سال 1555 از سرشناس‌ترين پيش‌گويان شد. ادوارد بلامي در كتاب خود در سال 1888 چشم‌انداز جامع‌نگر از آينده بلند مدت را توصيف مي‌كند ….

نخستين فعاليت آينده‌پژوهي در قالب يك تحليل علمي، حدود سال‌هاي 1920- 1933 توسط يك گروه تحقيقاتي به سرپرستي وليام اف اگبرن و در زمينه جامعه‌شناسي انجام شد. در سال 1945 نياز به پيش‌بيني تكنولوژي برجسته‌تر شد و به همين منظور، مؤسسه «رند» (Rand) گروهي را مأمور كرد تا تكنولوژي‌هاي نوظهور در يكصد سال آينده را پيش‌بيني كنند و زمينه برتري آمريكا در رقابت با شوروي را فراهم سازند.[9].

اين علاقة ذاتي و ميل طبيعي به شناخت آينده در دوران كهن، به تدريج جاي خودش را به ضرورت شناخت آينده در دوران معاصر داد؛ زيرا لازمة زندگي در دنياي پر سر و صدا و سيار امروزي ـ كه شامل پيدايش توانمندي‌هاي فني و حاوي تغييراتي غافلگير كننده و بي‌ارتباط با زمينة قبلي است ـ همان مطالعه آينده به مثابة يك علم مدرن و امکان شناخت فرصت‌ها و تهديدات پيش روي است.

اين زمان، دهة پيدايش سازمان‌هاي آينده‌پژوهي در گوشه و كنار جهان بود. در اين سال‌ها هم‌زمان با پيدايش اين سازمان‌ها، كتاب‌هاي مقدماتي خوبي در اين موضوع پديد آمد؛ همچون كتاب مدخلي بر هنر و علم شناخت و شكل‌دهي به جهان فردا كه كتابي كلاسيك و هنوز هم مورد توجّه است.

سال 1967 شاهد اولين كنفرانس جهاني «آينده‌پژوهي» بود كه در اسلو برگزار شد. اين اجلاس و شركت‌كنندگان آن، به عنوان منبعي براي تدوين كتاب بشريت در سال 2000 مورد استفاده قرار گرفت. اين كتاب توسط دو تن از اعضاي اصلي اجلاس، يعني، روبرت يونگ (مؤسس آينده‌پژوهي وين) و جان گالتون (رئيس فدراسيون جهاني آينده‌پژوهي) نوشته شد. پس از اين سال‌ها، در دهة 90 افرادي همچون ريك اسلاتر (بنيان‌گذار مركز آينده‌پژوهي استراليا) و رولف كربيج (نويسنده كتاب آينده‌پژوهي و سياست)، نقش عمده‌اي در مطالعات آينده‌پژوهي ايفا كردند.

در همين سال‌ها يكي از نويسندگان جهان سوّمي به نام ضياء‌الدين سردار، نظرات و انتقادهاي مبسوطي را نسبت به گسترش آينده‌پژوهي در مقاله‌اي به نام «استعمار آينده» ارائه کرد. در پايان اين سال‌ها و آغاز قرن بيست و يكم، بايد از نويسندگاني چون يونجي‌ ماسورا (استاد ژاپني علوم اطلاعات) و پاول كندي (استاد تاريخ و نويسندة كتاب آمادگي براي قرن 21) نام برد.[10]

آينده‌نگاري از اوايل دهه 1990 م. با استقبال بي‌نظيري از جانب برنامه‌ريزي علم و تکنولوژي کشورهاي مختلف رو به رو شد، به گونه‌اي که در طي اين دهه، تقريباً اکثر قريب به اتفاق کشورهاي پيشرفته و يا در حال توسعه، برنامه‌هايي را در اين خصوص تدوين و اجرا نمودند. حتي سازمان‌هاي بين‌المللي نظير سازمان توسعه صنعتي ملل متحد و اتحاديه اروپا نيز مراکز و مؤسساتي را جهت پرداختن به مقوله «آينده‌پژوهي» تأسيس کرده‌اند.[11]

در دهة 60 آينده‌پژوهي به عنوان يكي از رشته‌هاي جديد علوم،‌ پايه‌ريزي گرديد و نخستين دورة آموزش «آينده‌پژوهي» در سال 1963 توسط جيم دي تور در ويرجينيا برگزار شد و … به اين ترتيب «آينده‌پژوهي» جزء فعاليت‌هاي رسمي آموزشي ـ پژوهشي قرار گرفت. به نظر نگارنده اين سطح از آينده‌پژوهي، بيشتر از آنکه جنبه نظري و تئوريک داشته باشد، پرداختن به امور جزئي آينده (اقتصاد، سياست، صنعت…) است؛ در حالي که آينده‌پژوهي علمي، زيربناي تفکرات و انديشه‌هاي انسان درباره آينده است. به همين جهت بايسته است كه آن را در سطوح مختلف مورد بررسي و ارزيابي قرار دهيم.

1-3. سطوح آينده‌پژوهي

با توجه به تعاريف و رويكردهاي مختلف دربارة «آينده‌پژوهي»، مي‌توان آن را در دو سطح و پارادايم، دسته‌بندي و تعريف كرد:

1-3-1. آينده‌پژوهي به معناي اعم (آينده‌پژوهي مفهومي)

اين نوع آينده انديشي، بيشتر جنبة معرفتي و فكري دارد و نگرش‌هاي كلان به تاريخ بشري ـ به خصوص آينده جهان ـ را شامل مي‌شود. در اين مفهوم از آينده‌پژوهي ما با رويكردهايي گاهي همسان رو به رو هستيم كه از جمله آنها مي‌توان به فلسفة نظري تاريخ اشاره كرد. فلسفه تاريخ، كشف الگو و قوانين حاكم بر تاريخ و شناسايي هدف، مسيرها و عوامل حركت آفرين آن، جهت پيش‌بيني آينده و معنابخشي به حركت تاريخ است.[12]

همچنين مي‌توان از نوعي آينده‌پژوهي مفهومي نام برد كه هم‌پوشاني فراواني با «فلسفه نظري تاريخ» دارد. اين نوع آينده‌پژوهي كاوش سازمان يافته‌ جهت پيش‌بيني آينده است و براي اين كار به كمك يك محمل مفهومي و تطوّرات آن مفهوم در حال و آينده، به آينده‌پژوهي مي‌پردازيم. در اين رابطه مي‌توان از محمل‌هاي مفهومي‌اي چون تمدّن، ارتباطات، فرهنگ، حكومت و … بهره گرفت و نگاهي كلان به آينده داشت.[13] بر اين اساس مي‌توانيم دوگونه «آينده‌پژوهي» همسان در اينجا شناسايي کنيم:

1.‌ فلسفه نظري تاريخ (فرجام‌شناسي فلسفي ـ تاريخي)

2. آينده‌پژوهي مفهومي (نظريه پردازي معطوف به آينده)

1-3-2. آينده‌پژوهي به معناي اخص (آينده‌پژوهي جزئي يا عرفي)

اين نوع آينده‌پژوهي در چند دهة اخير رايج شده و در اين نوشتار نيز همين نوع مورد نظر بوده است. اين آينده‌پژوهي، حاصل تلاقي سه دسته از مفاهيم در حوزه‌هاي مختلف است؛ يعني: 1. برنامه‌ريزي يا برنامه‌ريزي استراتژيك؛ 2. آينده انديشي؛ 3. شبكه‌سازي يا توسعه سياست.

بر اين اساس آينده‌پژوهي به معناي مهيا بودن براي آينده و استخدام منابع موجود به بهترين وجه ممكن و در راستاي ارزش‌ها و اهداف است. اين همان تلاش سيستماتيك، براي نگاه به آيندة بلند مدت در حوزه‌هاي دانش، سياست، فن‌آوري، اقتصاد، محيط‌ زيست، جامعه و … است كه هدف اصلي آن، شناخت فرصت‌ها و فن‌آوري‌هاي جديد و تعيين بخش‌هايي است كه سرمايه‌گذاري در آنها، احتمال بازدهي بيشتري دارد.

آينده‌پژوهي، به عنوان يك ابزار بسيار مؤثّر جهت سياست‌گذاري (به خصوص سياست‌گذاري علم و تكنولوژي) به دولت‌ها كمك مي‌كند تا در شرايط دنياي امروز، به چالش‌هايي همچون جهاني شدن و رقابت فزاينده، پاسخي مناسب، ارايه و اقداماتي مؤثر انجام دهند. رويدادها، روندها، تصويرها و اقدام‌ها، چهار مؤلّفه‌اي است كه از درهم كنش آنها، آينده پديد مي‌آيد. يكي از كاركردهاي مهم آينده‌پژوهي اين است كه به مردم كمك كند تصويرهاي خويش را از آينده (ايده‌ها، دغدغه‌ها، اميدها، باورها و علايقشان را نسبت به آينده) محك زده و شفاف نمايند تا كيفيت تصميم‌هايي كه براي آينده مي‌گيرند، بهبود يابد. ديگر آنكه آينده‌پژوهي درصدد كمك به مردم است تا تصويرها و اقدام‌هاي (كنوني) خود را از حد كوشش‌هاي فقط منفعلانه، فراتر برده، بكوشند تا آينده را پيش‌بيني كرده و سپس بر پايه پيش‌بيني‌هاي (درست‌تر)، طرح‌هاي عملي خود را اجرا کنند و به پيش ببرند. اين فقط گام اول آينده‌نگري است. گام بعدي ايجاد تصويرهاي مثبت از آينده (آينده‌هاي مطلوب و مرجّح) و اقدام به طرح‌ريزي و تصميم‌گيري براساس آن تصويرهاي مثبت است.

يادگيري براي بينش‌مندي و بازنگري بينش‌هاي مرتبط با آينده و آن‌گاه اقدام به طرح‌ريزي و عمل بر پايه اين بينش‌ها، به گونه‌اي كه در عرصة طرح‌ريزي و تصميم‌گيري رايج است، قلب آينده‌پژوهي و آينده‌كاوي را تشكيل مي‌دهد.[14]

در جمع‌بندي اين بحث مي‌توانيم آينده‌پژوهي را چنين تعريف کنيم:

دانش شناخت نظام‌مند آينده در موضوعات و پديدار‌هاي مختلف اجتماعي، فرهنگي، اقتصادي، سياسي و فن‌آوري كه امکان انتخاب، برنامه‌ريزي و مواجهه آگاهانه و مدبرانه با آنها را در حد مطلوب و مؤثّر فراهم مي‌سازد.

1-4. روش‌هاي آينده‌پژوهي

آينده‌انديشان، براي شناسايي امكانات آينده و غربال كردن آنها و تهيه فهرستي از آينده‌هاي محتمل و سپس جدا ساختن سناريوهاي مطلوب از نامطلوب، از شيوه‌ها، شگردها و روش‌هاي متعددي استفاده مي‌كنند. اما آنچه كه در همه اين رو‌ش‌ها، كم و بيش مشترك است، تكيه بر معرفت ضمني دانشوران در قلمرو مورد نظر است كه در آن آينده‌انديشي صورت مي‌گيرد. در دو دهة اخير آينده‌انديشان در كنار توصيف آينده‌هاي ممكن و محتمل، به كار تجويز برخي از سناريوها نيز روي آورده‌اند. در رويكرد اخير، فرض و مدعاي اصلي آن است كه آينده در زمرة امور ساختني است و بنابراين مي‌بايد با تهية نقشه‌هاي مطلوب، شالوده شكل‌گيري آينده‌هاي مطلوب را از هم اكنون پي ريخت.[15]

آينده‌پژوهان انديشگاه رند، نخستين كساني بودند كه به طور جدّي به مطالعه فن‌آوري‌هاي نوظهور و پيامدهاي آنها بر امنيت ملّي و توان نظامي يك كشور خاصّ پرداختند. آنان فنون و روش‌هاي جديدي را براي تفكر درباره آينده ابداع كردند. آينده‌پژوهان دريافتند كه جهان آينده،‌ با جهان كنوني، پيوسته است و بنابراين از طريق مطالعه نظام‌مند رويدادهاي كنوني، مي‌توان دربارة رخدادهاي آينده، مطالب فراواني آموخت. نكته كليدي اين است كه به جاي مطالعه و تمركز بر رويدادها؛ يعني، رخدادهاي ناگهاني و روزمره، بايد بر روندها؛ يعني، تغييرهاي دراز مدت و پيوسته در حوزه‌هايي همچون جمعيت، جامعه، اقتصاد، دفاع، محيط‌زيست و فن‌آوري تمركز كرد.

آينده‌پژوهان روش بسيار مفيدي با عنوان «سناريوسازي» را گسترش دادند. سناريو متضمن پيش‌بيني قطعي و دقيق جهان آينده نيست؛ (بلكه) توصيفي از رويدادهاي ممكن و جداگانه‌اي است كه امكان وقوع آنها در آينده، وجود دارد. به بيان ديگر، سناريو‌ها، آميزه‌اي از پيش‌بيني‌هاي تخيلي و در عين حال واقع‌گرايانه از رخدادهاي احتمالي آينده هستند.[16]

روش‌هاي «داستان‌پردازي» نيز در كمك به مخاطبان براي تخيل شرايط زندگي در آينده بسيار مفيدند. روش‌هاي «دلفي و آينده‌نگاري» از اين واقعيت بهره مي‌جويند كه بهترين راه جمع‌آوري اطلاعاتي ارزشمند درباره آينده، مراجعه به خبرگان آگاه و تشويق آنها به گفتمان است.

مدل‌هاي شبيه‌سازي نيز ساختاري كمّي براي بررسي و مطالعه گزينه‌ها را فراهم مي‌آورند. به كمك روش‌هاي «تحليل تصميم»، مي‌توان خطاها و اشتباهات موجود در استدلال انسان‌ها را تصحيح كرد و … البته هر يك از تكنيك‌ها و روش‌هاي فوق به تنهايي براي پشتيباني از تصميم‌گيري‌هاي بسيار پيچيده همراه با عدم قطعيت عميق، ناكافي هستند.[17]

با توجه به اين توضيح مختصر، مي‌توان روش‌هاي پيش‌بيني آينده را چنين شمارش كرد:

1. سناريوسازي (ديدگاه‌هاي چند گانه دربارة آينده)؛

2. روش دلفي (داستان‌پردازي گروهي و جمع‌آوري ديدگاه‌ها در مراحل زماني خاص و مکرر آنان)؛

3. آينده‌نگاري (داستان‌پردازي گروهي و جمع‌آوري کارشناسان در يك جا و اخذ نظرات آنان)؛

4. مدل‌هاي شبيه‌سازي (مثل مدل شبيه‌سازي World3)؛

5. روش ديدباني (پايش مستمر تغييرات جهاني و رصد کردن هر نوپديدار جديد)؛

6. تحليل روند (مطالعه يك روند مشخص براي كشف ماهيت و علّت آن)؛

7. پايش الگوهاي نوظهور (شامل روش‌هاي ردگيري، شبيه‌سازي و …)؛

8. برون‌يابي روندها (ترسيم نموداري تغييرات روندها)؛

9. روش پانل (تأمّل متخصصان در موضوعات برجسته)؛

10. روش پيمايش محيطي (پيمايش تغييرات محيطي و درك نيروهاي خارجي)؛

11. روش ذهن‌انگيزي (توفان فكري براي توليد ايده‌هاي جديد)؛

12. نظرخواهي و مشاوره و ….[18]

اين روش‌ها ذيل سه روش كلي آينده پژوهي قابل جمع است:

الف. روش‌هاي هنجاري و روش‌هاي اكتشافي؛

ب. روش‌هاي كمي و روش‌هاي كيفي؛

ج. روش‌هاي مبتني بر فرض و روش‌هاي مبتني بر نظر.

نقد و بررسي اين روش‌ها مجال فراخ‌تري مي‌طلبد كه از گستره اين مقاله خارج است.

دو. مهدويت‌پژوهي

مهدويت‌پژوهي، كاوش علمي و نظام‌مند در يكي از آموزه‌هاي حياتي و بنيادين اسلام و دستيابي به نگرش جامع و كامل آن درباره هستي و فرجام حيات بشري و شناخت برنامه و راهبرد اساسي دين براي زندگي مطلوب، معقول و انساني است. مهدويت‌پژوهي، رويكرد نوين پژوهشي و نظريه‌پردازي ديني در عرصه نجات‌گرايي، حق‌خواهي، حقيقت‌گرايي، چشم‌ به راهي پويا، حجّت‌شناسي، انقلاب‌شناسي، اصلاح‌گري، جهان‌گرايي و… است. مهدويت‌پژوهي، شناخت طرح كلان الهي براي آينده بشريت و چگونگي قرار گرفتن در مدار مشيت او براي رسيدن به جامعه آرماني است.

«آموزه مهدويت» انديشه‌اي معطوف به آينده است كه براساس برنامه الهي، حركت تاريخ به سوي آن برگشت ناپذير و وعده داده شده است. از امام باقر عليه السلام سؤال شد: آيا مي‌شود امر قطعي الهي تغيير كند؟ فرمود: آري. گفته شد: مي‌ترسيم دربارة ظهور قائم عجل الله تعالي فرجه الشريف نيز چنين شود! فرمود: خير در ظهور قائم هيچ تغييري ايجاد نمي‌شود؛ سپس آيه >ان اللّه لا يخلف الميعاد< را قرائت كرد.[19]

اين قطعيت آينده و حتميت ظهور، سامان بخش انديشه‌اي شده است كه كنكاش دربارة آن (مهدويت‌پژوهي)، ما را به ساحل اميدواري، رهايي و رستگاري رهنمون مي‌شود و معرفت‌افزاي شيفتگان حقيقت است. شناخت انديشه مهدويت، تنها بخشي از معارف بي‌كران دربارة منجي موعود است كه از سوي پيامبر رحمت و عترت پاك او در اختيار ما گذاشته شده است:

«مهدي اين امت، از فرزندان او (حسين) است… دنيا به پايان نمي‌رسد تا اينكه مردي از فرزندان حسين، آن را كه پر از ظلم و ستم شده، آكنده از عدل و داد كند».[20]

شناخت آينده از اين منظر، «انديشه‌پژوهي» است؛ اما مي‌توان فراتر از اين هم حركت كرد و آن را از منظر «آينده‌پژوهي» (فهم روندها، رويدادها و تصوير وضعيت‌ها و اقدام‌ها) تبيين كرد و علم جديدي تحت عنوان «آينده‌پژوهي مهدوي» شکل داد. آينده‌پژوهي مهدوي عبارت است از دانش شناخت نظام‌مند آينده با رويكرد ديني و دربارة موضوعات و پديدارهاي مختلف كه امكان فهم درست مواجهه آگاهانه و مدبّرانه آن‌ها در حد مطلوب و مؤثر فراهم سازد و موجب حركت جامعه در سطوح مي شود (حركت به سمت جامعه آرماني و برنامه‌ريزي مناسب در راستاي چشم‌انداز ترسيم شده).در اين راستا بايد بدانيم كه «آموزه مهدويت»، در چند سطح و چشم‌انداز، قابل طرح و تحليل است:

2-1. سطح زيربنايي (مقدماتي و مبنايي)

در اين سطح، گزاره‌هايي چون: باورداشت منجي‌گرايي، جايگاه امام در هستي، شناخت اصولي موعود الهي، بايستگي انتظار، شناخت وظايف فردي و اخلاقي منتظر، باور به ارجمندي انگاره‌هايي چون عدالت، معنويت، عقلانيت و به عنوان مؤلفه‌هاي مقدّماتي و بنيادين «آموزة مهدويت» مورد نظر بوده و اساس و زيرساخت آن را تشكيل مي‌دهند. اصل اين اعتقاد هر چند معطوف به آينده است؛ ولي بيشتر ناظر به وظيفة فعلي افراد و تقويت بنيان‌هاي فكري و معرفتي آنان است.

2-2. سطح مياني و مؤثّر

اين سطح، راهبردي و استراتژيك بوده و خط مشي، برنامه‌ها و رويكردهاي عملي باورمندان به منجي موعود و منتظران ظهور او را سامان مي‌بخشد. در اين سطح گزاره‌هايي چون آمادگي و زمينه‌سازي براي ظهور، تشكيل جامعه مهدوي و شناخت بايسته‌هاي سياسي ـ اجتماعي منتظران، علايم آخرالزمان و نشانه‌هاي ظهور، نقش كليدي صالحان و حق‌گرايان و انتظار پويا مورد تحليل و ارزيابي قرار مي‌گيرد. در اين سطح مسؤوليت‌هاي منتظران و كنش جمعي براي رسيدن به جامعه آرماني و جايگاه انديشه مهدويت در برنامه‌هاي راهبردي، الگوبرداري از جامعة آرماني و … مطرح است و مي‌توان در جهت‌گيري‌ها و سياست‌گذاري‌هاي ملي و فراملّي از آن بهره گرفت.

2-3. سطح كلان و فراگير

اين سطح، كانون محوري و نقطه عطف منجي‌گرايي بوده و تحقق جامعه مطلوب و آرماني را شامل مي‌شود. در اين سطح موضوعات و انگاره‌هاي مهم و كلان آموزة مهدويت؛ چون: ظهور، قيام و انقلاب جهاني، پيروزي انقلاب، حاكميت جهاني، تشكيل حكومت جهاني و … مطرح است. اراده و خواست الهي، جايگاه ويژه امام زمان در اصلاح و مديريت جهان، حضور صالحان و رجال الهي، زيبايي‌هاي عصر ظهور و … در اين بخش، تحليل و ارزيابي مي‌شود.

2-4. سطح عالي و نهايي

در اين سطح بنيادين و غايت‌گرايانه، موضوعات مهمي چون فرجام تاريخ، تحقّق غايت‌مندي هستي و وصول به هدف نهايي عالي آفرينش و نظام امامت و مديريت تكويني بر جهان، اراده قاهر الهي در اصلاح جهان و … مطرح است. در اين سطح است كه «حقّ»، ظهور و تجلّي كاملي مي‌يابد و «سرّ الهي» آشكار مي‌گردد و عدالت، شريعت، معنويت و… پابرجا مي‌شود؛ چنان‌که امين وحي حضرت رسول صلي الله عليه و آله به جابر بن عبدالله انصاري فرمود:

«اين امر (مهدويت)، از امور الهي و سرّي از اسرار خداوند است كه علّت و سبب آن بر مردم پوشيده است. پس، از شك كردن در آن، دوري كن كه کفر به حساب مي‌آيد».[21]

از امير بيان حضرت علي عليه السلام نيز روايت شده است:

«… او قيام‌كننده براي حق، ظاهركنندة دين و گسترش‌دهندة عدل است. سوگند به كسي كه محمد را براي نبوّت برگزيد، خداوند مهدي را بر تمام مخلوقاتش برگزيده است». [22]

به نظر مي‌رسد، آينده‌پژوهي به معناي اخص (تلاش نظام‌مند براي نگاه به آينده دانش، سياست، اقتصاد، فن‌آوري، اجتماع و …) مي‌تواند ناظر به سطح دوّم آموزة مهدويت (سطح مياني و راهبردي آن) باشد و آينده‌پژوهي به معناي اعم (آينده‌پژوهي مفهومي و فلسفي)، بيشتر مربوط به سطح نهايي و عالي آن (سطح چهارم). آينده‌پژوهي مي‌تواند مباحث و موضوعات راهبردي و استراتژيك (سطح دوم) را تحت پوشش قرار دهد و با ارزيابي تغييرات و تحولّات فرا رو، مسؤوليت‌ها و برنامه‌هاي منتظران را براي رسيدن به جامعة موعود (در سطح سوم) تبيين و روشن سازد همچنين تغييرات و تحولات و تحولات جهاني را در راستاي تشكيل حكومت جهاني، مورد سنجه و ارزيابي قرار دهد. در واقع آينده‌پژوهي به ما كمك مي‌كند تا از سطح مقدّماتي و زيربنايي فراتر رفته و وارد سطح مؤثّر و استراتژيك شويم و نقش خود را در زمينه‌سازي انقلاب جهاني مهدوي(براساس رصد كردن تحولات محتمل و ممكن جهاني) بهتر ايفا كنيم و در عين حال تصويري روشن و حقيقي،‌از جامعه مطلوب و مرجّح ارائه دهيم.

براي بررسي و تحليل اين نظريه، نياز به شكل‌گيري «آينده‌پژوهي مهدوي» به شدّت احساس مي‌شود. در واقع مي‌توان بعضي از مباحث آموزه مهدويت را، در قالب «آينده‌پژوهي» تبيين كرده؛ همان‌گونه كه مي‌توان آينده‌پژوهي را در چهارچوب و قالب «مهدويت‌پژوهي» قرار داد و دانش جديدي ـ با روش‌هاي خاص يا مشترك ـ به وجود آورد؛ يعني، آينده‌پژوهي مهدوي را شكل داد.

سه. آينده‌پژوهي مهدوي

«آينده»، پايدارترين آموزه‌اي است كه مورد توجّه اديان الهي ـ به خصوص اسلام ـ است. پاره‌اي از تعاليم و آموزه‌هاي آن در رابطه با آينده و متوجّه ساختن انسان‌ها به فرجام جهان است. اين فرجام باوري هم مي‌تواند شامل معاد باوري باشد و هم پايان باوري تاريخي و بر اين اساس هم پيش‌گويي غيبي شكل مي‌گيرد و هم سنّت‌شناسي تاريخي. بهره‌گيري از آيات و روايات و تأمّل و انديشه در حوادث و رويدادها، مي‌تواند نگاه ما را به آينده، سامان درستي بخشد و يك نوع آينده‌پژوهي متعالي، مطمئن، بالنده و مترقّي را شكل دهد. اين رويكرد علمي ـ پژوهشي با محوريت «آموزة مهدويت» شكل گرفته و مي‌تواند تشكيل‌دهنده دانش جديدي با نام «آينده‌پژوهي مهدوي» باشد. مهم‌ترين ركن اين روي‌كرد، «انتظار ظهور منجي موعود» است كه تأثير به سزايي در آينده‌شناسي، فرجام باوري، هدف‌مندي، اميدگرايي و… دارد.

انتظار؛ يعني، چشم به راهي، حركت رو به جلو، نظر و تأمل داشتن به آينده، قرار گرفتن در جهت و مسير درست. انتظار در لغت به معناي «درنگ در امور، نگهباني،‌ چشم به راه بودن و اميد داشتن به آينده است».[23] اين كلمه از «نظر» به معناي نگاه كردن گرفته شده و گاهي مراد از آن تدّبر، تأمّل و دقت است.[24]

براساس نوشته تفسير نمونه، «نظر» در اصل به معناي گردش فكر و يا انديشه است، براي مشاهده يا ادراك چيزي؛ چنان كه گفته مي‌شود: «نظرت فلم تنظر»؛ يعني نگاه كردي، ولي در آن تأمّل نكردي و به فكر و انديشه نپرداختي كه معناي تأمل و جست‌وجوگري در آن افتاده و نيز به معناي معرفت حاصل از جست‌وجوگري آمده است. راغب مي‌گويد: نظر و انتظار، هر دو به يك معنا است.[25] گاهي نيز اين كلمه به معناي چاره انديشيدن، منتظر بودن براي دانستن چيزي، نظاره كردن و … آمده است.[26]

انتظار در اصطلاح، به معناي «چشم به راه بودن ظهور واپسين ذخيره الهي و آماده شدن براي ياري او در برپايي حكومت عدل و قسط در سراسر گيتي است». برخي گفته‌اند: «انتظار كيفيتي روحي است كه باعث به وجود آمدن حالت آمادگي (انسان‌ها) براي آنچه انتظار دارند، مي‌شود و ضد آن، يأس و نااميدي است».[27]

انتظار در چشم‌انداز آينده‌پژوهي، از حالت چشم به راهي و اميد بستن صرف به آينده، فراتر مي‌رود و تبديل به آينده‌نگري؛ يعني تأمل و جست‌وجو در حوادث و شناخت و معرفت درست اوضاع و رويدادها مي‌شود. مهم‌ترين ركن اين انتظار، آينده‌نگري، مسؤوليت‌شناسي، الگوبرداري و زمينه‌سازي براي رسيدن به وضعيت مطلوب است كه مي‌توان از آن با عنوان «علم الانتظار»، «انتظار پويا» و «انتظار مثبت و سازنده» ياد كرد. اين انتظار، تأثير به سزايي در سامان بخشي به برنامه‌ها و رفتارهاي فردي، جمعي و فرا ملّي دارد و در تعيين راهبردها و استراتژي‌ها براساس آينده موعود و وضعيت‌هاي ممكن و محتمل و مرجح، نقش ايفا مي‌كند. در دوره غيبت كبري و عصر پيشاظهور، شناخت عقايد و افكار، موضع‌گيري‌ها و اعمال، حوادث و تحولات و … اهميتي ويژه مي‌يابد و بصيرت و فهم درست را به وجود آورد. لازمه اين كار، انتظار مستمّر و پيوسته و تسلّط بر اوضاع و پديده‌ها و پويايي و حركت است.

امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد:

«در هر صبح و شام، منتظر فرج باش (وانتَظَرِ الفَرَجَ صباحاً و مَساءً)». [28]

از امام باقر عليه السلام نيز نقل شده است:

«زماني كه ببيني فقر و نياز بسيار شود و مردم همديگر را انكار كنند و … پس در اين زمان، منتظر امر الهي (ظهور) باشيد». [29]

از پيامبر اكرم نيز روايت شده است:

«زماني كه مسند و كرسي براي نااهلان گذاشته شد،‌پس منتظر برپا شدن ساعت باشيد».[30]

اين روايات به تصريح يا تلويح، نظر منتظران را به اين نكته جلب مي‌كند كه براي درك و شناخت امر الهي (ظهور)، نياز به شناخت تحوّلات و تغييرات است و در واقع شخص منتظر در كنار انتظار ظهور منجي موعود، پيوسته رويدادها و حوادث پيرامون آن را نيز مورد رصد، شناسايي و ارزيابي قرار مي‌دهد و براساس آن، تصميم‌گيري و برنامه‌ريزي مي‌كند. براي تحقق زمينه‌ها و شرايط قيام جهاني مي‌كوشد و آمادگي هر چه بيشتري براي آن پيدا مي‌كند.

آينده‌پژوهي مهدوي شاخصه‌ها و مؤلفه‌هاي مختلفي دارد كه هر كدام از آن‌ها ظرفيت و بستري براي فعاليت‌هاي آينده‌پژوهانه است و نياز است كه فعاليت‌هاي كلان پژوهشي براي شناخت واقعي و كاربردي كردن آن‌ها صورت گيرد. بر اين اساس آينده‌پژوهي داراي شاخصه‌ها و محورهاي زير است:

3-1. نشانه‌شناسي (علم العلايم)

علايم ظهور و قيام، نشانه‌ها، حوادث و رخدادهايي هستند كه براساس پيش‌گويي‌هاي معصومين، پيش از ظهور يا در آستانة آن يا هم زمان و يا پس از ظهور منجي موعود پديد مي‌آيند. تحقق و پديداري هر يك از اين علايم، نويد و بشارتي از ظهور آن حضرت و نزديك‌تر شدن قيام جهاني ايشان است. علايم آخرالزمان (آخرالزمان‌شناسي) نيز در اين گستره قابل بحث و تحليل است.

اين نشانه‌ها، به چند دسته تقسيم مي‌شوند و در فواصل مختلف زماني (دور و نزديك و يا حين قيام) روي مي‌دهند. بعضي از آنها حتمي و بعضي ديگر غيرحتمي بوده و شامل حوادث طبيعي، اجتماعي و سياسي، معجزات و … مي‌شوند. شناخت و رصد كردن اين نشانه‌ها، به جهت آشنا شدن با شرايط ويژة قبل از قيام جهاني و نيز شناسايي مدعيان دروغين مهدويت و … بايسته است، به جهت وسعت و سرعت تغييرات و تحولات جهاني و گستردگي پديده‌هاي نوآمد، نياز به آينده‌پژوهي در اين ساحت به جدّ احساس مي‌شود و بيان گسترده نشانه‌هاي ظهور نيز جهت توجه دادن مردم به آنها و حساس كردن آنان نسبت به رويدادهاي آينده است؛ به خصوص آنكه پديده‌هاي اجتماعي، سياسي، فرهنگي، اقتصادي و … به صورت گسترده تحت عنوان علايم آخرالزمان نيز مطرح شده و شامل تغييرات گسترده و جهاني است.

در روايتي نقل شده است: حذيفه از پيامبر اكرم صلي الله عليه و آله پرسيد: آيا علايمي هست كه دالّ بر وقوع چنين وضعي در دنيا باشد (فَهَلْ مِنْ عَلامة يسْتَدَلُّ بها علي ذلك)؟ آن حضرت نيز ضمن مثبت دانستن‌ پاسخ، به شمارش نشانه‌هاي آخرالزمان پرداخت.[31]

جالب اين است كه زمان پيدايي نشانه‌هاي ظهور، حساب و كتاب‌هاي ستاره‌شناسان (و آينده‌پژوهان عرفي و تجربي) فرو مي‌ريزد و تنها به كمك «آينده‌پژوهي قدسي» مي‌توان به حقايق امور دست يافت. حضرت باقر عليه السلام مي‌فرمايد:

«پيشاپيش ظهور مهدي ما دو نشانه بزرگ ديده مي‌شود: خسوف ماه در پنجم آن و كسوف خورشيد در پانزدهم ماه … بنابراين (در اين زمان) حساب‌هاي منجمان و آينده‌بينان فرو خواهد ريخت (و عنده ذلك يسقط حسابُ المنجمين)».[32]

به هر حال عصر قبل از ظهور منجي، از يك سو دوره پسرفت‌ها و انحطاط و از سوي ديگر دوره پيشرفت‌ها و رشد و توسعه است. در زمينه وقوع يا عدم وقوع روايات پيش‌گويي نيز، مي‌توان آنها را به چند دسته تقسيم كرد:

1. پيش‌گويي‌هايي كه در گذشته واقع شده است؛ مانند تبديل خلافت به سلطنت، پيدايش حكومت بني‌اميه، انقراض بني‌عباس، جنگ‌هاي صليبي و….

2. پيش‌گويي‌هايي كه امروزه شاهد وقوع آن هستيم؛ مانند اخبار مربوط به فساد و فحشا، انحرافات و يا پيشرفت‌هاي علمي، ارتباطاتي و اطلاعاتي و….

3. پيش‌گويي‌هايي كه هنوز محقّق نشده است؛ مانند: خروج سفياني، قيام يماني، مسأله دجال، صيحة آسماني و….[33]

آينده‌پژوهي مهدوي ضمن رصد كردن تحولّات جهاني، مي‌تواند با ارزيابي و تحليل نشانه‌هاي ظهور، اذهان و افكار بشري را به آن هنگامه موعود، متوجّه سازد و شواهدي نيز در حقانيت آن ارائه دهد. رويدادهايي چون فراوان شدن آب‌ها و سيلاب از يك سو و خشك شدن برخي از درياچه‌ها، وقوع فتنه‌ها، آشوب جهاني، ناامني فراوان، درگيري و كشتار در عراق و بغداد، قحطي و گرسنگي، آمدن 80 پرچم به جنگ اعراب، كشته شدن برخي از شاهان، وقوع قيام‌هاي حق‌طلبانه، شيوع برخي از بيماري‌هاي مهلك، وقوع برخي از تحولات در آسمان و … زمينه‌هاي بسيار مناسبي براي مطالعه دربارة آينده كوتاه مدت و ميان مدت است.

3-2. زمينه‌شناسي (علم الشرايط)

شرايط به اموري گفته مي‌شود كه تحقق ظهور وابسته به وجود آنها است و تا آنها محقّق نشوند، ظهوري در كار نخواهد بود. به عبارت روشن‌تر، شرايط ظهور زمينه‌هايي است كه امكان تحقق ظهور منجي موعود را فراهم مي‌آورد و آن را امري منطقي و لازم مي‌نماياند. شرايط متعددي براي ظهور و انقلاب جهاني امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بايد فراهم شود؛ زيرا ظهور نيز مانند هر پديده و انقلاب ديگري،‌ به زمينة مساعد براي بروز و نتيجه دادن احتياج دارد و ممكن است بدون آن شرايط و بسترها، ظهور اتفاق نيفتد. از جمله اين شرايط مي‌توان به وجود رهبر جهاني، برنامه و استراتژي حركت و حكومت، ياوران كارآمد و پذيرش جهاني و آمادگي مردمي اشاره كرد. بر اين اساس يكي از بايسته‌هاي انتظار پويا، زمينه‌سازي و مقدمه چيني و آمادگي جمعي و جهاني (و يا آمادگي جبهة حق) براي ظهور است.

هر نهضت و انقلابي در صورتي امكان پيروزي و نتيجه‌بخشي را دارد كه قبلاً در ابعاد مختلف، براي آن زمينه‌سازي لازم شده و شرايط براي پيروزي آن فراهم گردد. همچنين افكار عمومي براي پشتيباني و حمايت از آن آماده شوند تا آن نهضت بتواند به پيروزي برسد. اين شرايط مي‌تواند ذهني و عيني باشد؛ به اين صورت كه نارضايتي عميق و گسترده در سطح جهاني از حاكميت دولت‌هاي ظالمانه و جهاني‌سازي ظلم شكل بگيرد و از طرفي تقاضاي جهاني براي برقراري عدالت جهاني گردد. همچنين بايد آمادگي‌هاي علمي، نظامي، سياسي و… صورت گيرد كه نياز به برنامه‌ريزي و سياست‌گذاري‌هاي كلان دارد.

آينده‌پژوهي در اين راستا مي‌تواند ضمن شناسايي وضعيت‌ها و موقعيت‌هاي پيش‌رو، اطلاعات و پيش‌بيني‌هاي لازم را براي اتخاذ تصميمات راهبردي در اختيار زمينه‌سازان ظهور و دولت زمينه‌ساز قرار دهد. براساس روايات، جهان آكنده از جور و بيداد و فساد خواهد بود؛ لكن در گوشه و كنار جهان ـ به خصوص در مناطق اسلامي و شيعي ـ مردمي خواهند بود كه معتقد به حق و بصير در امر دين و چشم به راه منجي موعودند و براي پيوستن به امام و كمك و ياري ايشان آماده مي‌باشند. اين منتظران آماده، تا حدودي سازمان يافته بوده و داراي تشكيلات، برنامه و امكانات هستند؛ چنان كه در روايتي آمده است:

«مردمي از شرق قيام مي‌كنند و زمينه حكومت امام مهدي را فراهم مي‌سازند (يخْرُجَ اُناسٌ من المشرقِ فُيوطّئون للمهدي سلطانه)». [34]

از امام علي عليه السلام نيز نقل شده است:

«پرچمي از خراسان بيرون مي‌آيد؛ (حاملان اين پرچم) اصحاب سفياني را شكست مي‌دهند تا اينكه به بيت‌المقدس مي‌رسند و زمينه حكومت حضرت مهدي را فراهم مي‌سازند (توطيء للمهدي سلطانه)».[35]

بنابراين تحقق يافتن اين حکومت جهاني، چندان هم بدون مقدمه و ابتدا به ساكن نيست؛ بلكه با مقدمه‌چيني و زمينه‌سازي قيام‌كنندگان مشرق و حركت پرچم‌هاي خراسان و ايرانيان و… است. موفقيت منتظران بصير، مؤمن، متحرّك و منتظر، زمينه‌اي مي‌شود براي گرد هم آمدن و به هم پيوستن صفوف انقلابيون كه سرانجام به دوران دعوت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف مي‌رسند، به نداي او پاسخ مي‌گويند و هسته اصلي مقاومت مؤمنان را تشكيل مي‌دهند.[36]

زمينه‌سازي براي قيام امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف داراي دو جنبه است:

1. رشد ايماني، جهادي و آگاهي سياسي (فرهنگ‌سازي جامع و فراگير)؛

2. ايجاد تشكيلات سياسي، نظامي، اقتصادي، اداري و اطلاعاتي.[37]

اين تشكيلات، بدون وجود نظام سياسي و دولت در جهان محقّق نخواهد شد و اين همان دولت زمينه‌ساز است كه در روايات مژدة برپايي آن داده شده است. شكل‌گيري چنين نيرويي در جهان، ظهور امام را نزديك مي‌كند و بدون اين عوامل طبيعي، شايد ظهور امام فراهم نيايد. كسب چنين نيرويي نيازمند عمل و حركت در متن زندگي و جريان‌هاي جهاني است و بررسي وضعيت گروه‌ها، مكاتب و افكار و تقويت جبهة حق و خداخواه ضروري مي‌نمايد.

آينده‌پژوهي مهدوي، يعني حضور فعال و پويا در جريان‌هاي جهاني و شناسايي حوادث نوظهور و ارائه برنامه‌هاي لازم در جهت ايجاد شرايط و زمينه‌هاي ظهور. از اميرمؤمنان علي عليه السلام نقل شده است:

«… تا زماني كه انسان شقي، شقاوتش را و انسان نيكوكار، نيكويي‌اش را آشكار نكند، آنچه را كه چشم انتظارش هستند، به وقوع نخواهد پيوست».[38]

3-3. آينده انديشي پابرجا (توقّع)

«توقّع»، انتظار حصول چيزي را داشتن و منتظر وقوع امري بودن است. «وقوع» و «وقعه»، به معاني ثبوت، ظهور، آمدن و پابرجا شدن آمده است.[39] «متوقّع» به كسي مي‌گويند كه پيوسته منتظر حصول چيزي باشد و منتظران ظهور منجي را متوقع مي‌گويند؛ چون به طور پيوسته و مستمرّ در انتظار و چشم به راه هستند. نه يأس و دلمردگي آنان را فرا مي‌گيرد و نه ضعف و فتور و سستي.

منتظران واقعي امام زمان، در زيارت آن حضرت خود را منتظر و متوقّع ظهور معرفي مي‌كنند:

«اگر روزگاران طولاني و عمرها بلند شود، جز اين نيست كه يقينم دربارة تو افزون مي‌شود، عشق و دوستي‌ام براي تو زياد مي‌گردد، توكل و اعتمادم به تو افزايش مي‌يابد و براي ظهور تو متوقع و آماده و پيوسته مسؤوليت‌پذير خواهم بود (و لظهورك الا متوقعاً و منتظراً …).[40]

توقّع و چشم به راهي پيوسته و پابرجا،‌ بدين معنا است كه انسان دائماً وقوع حادثه و رويداد مهمي را در آينده دنبال و جست‌وجو كند. توقّع و رصد کردن تحولّات اساسي و بنيادين در آينده، شامل دگرگوني‌ها و پديدارهاي نوآمد نيز مي‌شود. يك آينده پژوه نيز به طور مستمر و پا برجا، در جست‌وجو و رصد كردن تغييرات و تحوّلات ـ به خصوص رويدادهاي جديد و غيرمنتظره ـ است و هر پديده و تحوّلي براي او جالب توجّه و تأمل برانگيز مي‌باشد.

در آينده‌پژوهي مهدوي، آينده‌انديشي پا برجا و فعال و توجّه مستمر به آينده ـ به خصوص امر فرج و ظهور امام زمان ـ مورد تأكيد قرار گرفته است. از حضرت ابي جعفر عليه السلام نقل شده است:

«هر گاه ديديد كه آتشي عظيم از جانب مشرق روشن شد و عمر آن سه روز يا هفت روز ادامه يافت، متوقع (فتوقعوا) فرج آل محمد صل الله عليه و آله باشيد…‌».[41]

محمد بن مسلم از حضرت باقرالعلوم عليه السلام نقل مي‌كند:

منتظر صدايي كه ناگهان از ناحية دمشق مي‌رسد، باشيد (توقّعوا الصوت). البته در اين (صوت) براي شما فرج عظيمي است.[42]

جالب‌تر اينكه در روايات نه تنها توصيه به انتظار وقوع ظهور شده؛ بلكه در كنار آن سفارش به انتظار مداوم و پابرجاي رويدادها و حوادث فراواني شده است؛ چنان كه از امام علي عليه السلام نقل شده است:

«تا زماني كه شما در مقابل ديگران از مرده‌ها هم پست‌تر نشويد، امر خداوند محقّق نمي‌شود. پس متوقّع اين باشيد كه در اين هنگام كارهايتان بر وفق مرادتان نخواهد بود و رشتة خويشاوندي پاره خواهد شد و كودكانتان به كار گرفته خواهند شد… (الا فَتَوَقّعوا من اِدبارِ امُورِكُم و انقطاعِ وصلكم و استعمال صغارِكم …)».[43]

امام باقر عليه السلام يكي از وظايف اصلي دوران غيبت را ـ كه آكنده از سختي‌ها و دشواري‌ها است ـ آينده انديشي مستمر و پابرجا مي‌داند:

«… در اين زمان، صبح و شب فرج را پي‌جويي كنيد (… فعند ذلِكَ تَوقَّعُوا الفَرَجَ صَباحاً و مساءً)».[44]

3-4. ديدباني مؤثّر (ترقّب)

«ترقّب»، به معناي مراقبت و محافظت دائمي و كنترل و نظارت است. اين كلمه از «رقبه و رقوب» به معناي حفظ و انتظار است. در صحاح و قاموس، رقيب به معناي حافظ و منتظر آمده است. راغب آن را به معناي احتراز و انتظار گرفته است؛ چنان كه قرآن مي‌فرمايد: >فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يتَرَقَّبُ<[45]؛ يعني، موسي صبح كرد، در حالي كه ترسان بود و انتظارش را مي‌كشيد.[46]

به نظر برخي «رقيب و ارتقب»،‌ در اصل از «رقبه» (به معناي «گردن») گرفته شده است و از آنجا كه افرادي كه منتظر چيزي هستند، پيوسته گردن مي‌كشند، به معناي انتظار و مراقبت از چيزي آمده است. رقيب نيز در اصل به كسي مي‌گويند كه از محلّ مرتفعي، به اوضاع نظارت مي‌كند و سپس به معناي حافظ و نگهبان چيزي آمده است؛ زيرا نگهباني از لوازم نظارت است.[47]

ديدباني به معناي پايش مستمرّ تغييرات جهاني در زمينه‌هاي مختلف،‌توسط يك انديشكده يا يك گروه علاقه‌مند به آينده‌پژوهي است كه نوعاً بر پايه بررسي نظام‌مند محتواي مطالب، نوشته‌ها و گفته‌ها انجام مي‌شود. «ترقّب» (ديدباني مؤثر) نيز از اموري است كه منتظران منجي موعود خود را ملزم به رعايت آن مي‌دانند و در پس انتظار مستمر، موشکافانه و آگاهانه حوادث و رويدادها را رصد مي‌کنند و مراقب اوضاع و احوال روزگار خود و آينده هستند و در واقع نسبت به رويدادها و اوضاع بي‌تفاوت و ساکت نيستند؛ چنان‌که در زيارت حضرت صاحب‌الامر مي‌گويند:

«اگر روزگاران طولاني و عمرها بلند شود، جز اين نيست كه يقينم دربارة تو افزون مي‌شود و عشق و دوستي‌ام براي تو زياد مي‌گردد… و براي ظهور تو متوقع و آماده خواهم بود و براي جهاد در ركاب پيشگاه تو، چشم به راهي و ديدباني خواهم كرد (و لجهادي بين يديك مترقّبا)».[48]

«مترقّب» كسي است كه دائماً مراقب اوضاع بوده و از افتادن در دام‌‌ها و حوادث ناشناخته محافظت مي‌كند. از امام صادق عليه السلام دربارة نشانه‌ها و حوادث آخرالزمان نقل شده است:

«مي‌بيني كه گناه كردن علني شده است… مي‌بيني كه عاق والدين آشكار مي‌شود… نشانه‌هاي حق كهنه مي‌گردد. پس از اين مسائل بر حذر باش و از خداوند نجات بخواه و بدان كه مردم در خشم و غضب الهي هستند و خداوند بنا به مصلحتي به آنها مهلت داده است. پس مراقب باش (فَكُن مترقّباً) و تلاش كن كه خداوند تو را در ميان آنها نبيند».[49]

بر اين اساس انتظار ظهور منجي موعود، با ديدباني مؤثر و فعّالانه آينده پيوند دارد و شناخت اوضاع و پديده‌ها براي در امان ماندن از پيامدهاي سوء آنها، ضروري است؛ به خصوص كه اوضاع جهان در عصر قبل از ظهور نابسامان و آشفته خواهد بود. حضرت علي عليه السلام در پاسخ به سؤال مالك اشتر (دربارة زمان قيام حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف) مي‌فرمايد:

«هنگامي كه نابود شونده، نابود شود و حقايق مخفي گردد و ملحق شونده، ملحق گردد (مردمان به حكومت‌ها ملحق شوند) و پشت‌ها سنگين شود و كارها و اشياء نزديك به هم گردد… پس در زماني كه اين علايم واقع شد، مردماني خروج مي‌كنند كه گناه و جناياتي مرتكب مي‌شوند و «جزائر» را مالك مي‌گردند … و عراق را فتح مي‌كنند و با ايجاد (ترس) و خونريزي، از شكاف باز مي‌دارند؛ پس در آن هنگام مراقب باشيد و (چشم و حواستان را متوجّه امام زمان كنيد كه) به زودي ظهور خواهد كرد (ترقّبوا خروج صاحب الزمان)».[50]

در واقع اين توجّه به آينده، بيانگر وظيفه و مسؤوليت منتظران نيز مي‌باشد كه در آن زمان مراقب اوضاع بوده و برخلاف جهت رويدادها قرار گيرند و مواظب همه چيز باشند و در عين حال در اين دوران مترصد ظهور منجي موعود هم باشند.

در روايت ديگري آمده است:

«هنگامي كه فاسقان بر مردم حكومت مي‌كنند و انسان‌هاي رذل رهبر آنها مي‌شوند، مردم از ترس به آنها احترام مي‌گذارند! غنا و موسيقي آشكار مي‌شود. هر امّتي، امّت قبل از خود را لعن مي‌كند. در اين زمان منتظر باد سرخ، زلزله، مسخ، خسف و نشانه‌هاي ديگر خداوند باشيد (فارتقبوا عند ذلك ريحاً حَمراءَ و زلزلةً و مسخاً و قذفاً و آياتٍ تتابَعُ) كه يكي پس از ديگري، همچون حلقه‌هاي گردن‌بند،‌ بر شما نازل مي‌شوند».[51]

براساس اين روايت روشن مي‌شود كه يك آينده‌پژوه، تمامي پديده‌هاي طبيعي، سياسي و اجتماعي، فرهنگي و … را شناسايي مي‌كند و براي محافظت خود و جامعه از آنها،‌ برنامه‌هاي لازم را ارائه مي‌دهد.

صاحب جواهر در شرح روايتي از امام باقر عليه السلام (رباطنا الدهر)[52] مي‌نويسد:

«مرابطه در اين روايت به معناي اراده انتظار فرج در تمام ساعات شبانه‌روز است (ارادة ترقّب الفرج ساعةً بعد ساعةٍ)؛ همچنان كه در بعضي، از روايات به اين معنا اشاره شده است…».[53]

3-5. فتنه‌شناسي (علم التحذير)

يكي از انگاره‌هاي بايستة توجّه در مورد آينده، هشدارها و تحذيرهاي فراوان و مكرّري است كه در روايات مطرح شده و توجّه اذهان به آن سمت جلب شده است. در واقع بيان اين هشدارها و خبر دادن از خطرات، فتنه‌ها و كاستي‌هاي فرا روي بشر، به جهت آگاهاندن مردم نسبت به وضعيت‌هاي ممكن و محتمل در آينده است. در اين صورت آنان بايد با درايت و حساب شده با آنها رو به رو شوند و مشكلات آينده را به خوبي بشناسند.

اين نكته محوري است كه آينده‌پژوهي فعلي، تمركز فراواني نسبت به آن دارد و بيشتر داده‌هاي آن نيز دربارة خطرات و بحران‌هاي احتمالي و ارائه راه‌حل‌هايي براي گريز از آنها يا به حداقل رساندن عوارض و پيامدهاي سوء آنهاست.

عبدالله بن مسعود از رسول خدا صلي الله عليه و آله نقل مي‌كند:

«من شما را از هفت فتنه مي‌ترسانم كه بعد از من در دنياي اسلام به وجود مي‌آيد: فتنه‌اي كه در مدينه برپا مي‌شود، فتنه دوم از مكه است… فتنه هفتم كه از شام بر مي‌خيزد كه همانا قيام سفياني است».[54]

عبدالله بن مسعود مي‌گويد:

بعضي از افراد اين امت، اول اين فتنه‌هارا درك مي‌كنند و بعضي ديگر آخر اين فتنه‌ها را خواهند ديد.

آينده‌پژوهي مهدوي با تكيه بر هشدارهاي روايي و محور قرار دادن پيش‌گويي‌ها دربارة فتنه‌ها، امكان وقوع آنها را در دنيا رصد مي‌كند و خود را براي مقابله با آنها و يا دوري از آنها آماده مي‌سازد. تصريح روايات نيز بر اين است كه مردم از آن فتنه‌ها دوري جويند؛ چنان كه معاذ بن جبل نقل مي‌كند:[55]

«چهار نوع گرفتاري و اختلال پيش خواهد آمد و اگر بتوانيد كه آنها به شما نرسد، البته لازم است. گفتند: آنها چيستند؟ گفت: زماني خواهد آمد كه باطل جلوه پيدا كرده و بر حق غلبه نمايد. هوس‌راني و ضعف مردم به جايي خواهد رسيد كه صبح به آييني وابسته شوند و عصر به آيين ديگري درآيند…».

از امام پنجم عليه السلام نيز نقل شده است:

«دو صدا بايد قبل از ظهور شنيده شود: يك صدا از آسمان كه صداي جبرئيل است و صاحب اين امر را به نام او و نام پدرش معرفي مي‌كند. صداي دوم صداي شيطان است كه به نام فلاني… است و مي‌گويد: او را مظلوم كشتند و مي‌خواهد مردم را گمراه كند. پس از صداي اول متعابت كنيد؛ اما بترسيد از اينكه صداي دوّم (صداي شيطان) شما را به گمراهي كشاند (اياكم والاخير ان تفتنوا)».[56]

فتنه‌ها و دشواري‌ها، به صورت‌هاي مختلف و در زمان‌هاي دور و نزديك قيام رخ مي‌دهد. بنابراين شناسايي آنها و آمادگي براي رويارويي و برخورد با آنها بايسته است. البته بايد دانست كه امر قيام حضرت، به آساني و سادگي رخ نمي‌دهد و همگان خود را براي سختي‌ها و ناملايمات و مجاهدت‌ها آماده سازند. اين آمادگي بايد هوشمندانه و با شناخت صحيح جريان‌ها و حوادث جهاني همراه باشد.

بشير مي‌گويد: خدمت امام باقر عليه السلام عرض كردم: مردم مي‌گويند: وقتي مهدي قيام كرد، طبعاً اوضاع برايش رو به راه مي‌شود و به اندازه شاخ حجامتي هم خونريزي نمي‌شود؟! حضرت فرمود: اندازة يك حجامت هم خونريزي نمي‌شود؟! حضرت فرمود:

«قسم به كسي كه جانم در دست او است! اگر چنين موضوعي امكان داشت، براي رسول خدا انجام مي‌گرفت. در صورتي كه در ميان جنگ دندانش خونين شد و پيشاني مباركش شكست. به خدا قسم! نهضت صاحب‌الامر هم انجام نمي‌گيرد، مگر اينكه در ميدان جنگ عرق بريزيم و خون‌ها ريخته شود (كلاّ والذي نفسي بيده حتّي نمسح نحن و انتم العرق والعلق)؛ پس به پيشاني مباركش دست كشيد».[57]

3-6. امتحان‌شناسي (علم‌الابتلا)

ابتلا و امتحان؛ يعني، آزمون الهي كه به طرق مختلف ـ به خصوص به وسيله كاستي‌ها و سختي‌ها ـ دربارة انسان‌ها جاري مي‌شود. آنان در طول تاريخ در معرض امتحانات و آزمون‌هاي مختلفي بوده‌اند كه عموماً بدون اطلاع و شناخت قبلي بوده است. اين مسأله در آخرالزمان و عصر نزديك به ظهور، گسترده‌تر و شديدتر خواهد بود و به همين جهت بسياري از موارد ابتلاي انسان‌ها در روايات ذكر شده است. در واقع بسياري از هشدارها و پيش‌گويي‌هاي ديني، براي متوجّه ساختن انسان‌ها و آماده كردن آنان براي رويارويي با ابتلائات آخرالزماني است.

«آينده‌پژوهي مهدوي» در رابطه با شناخت امتحانات و ابتلائات پيش رو و آگاهاندن انسان‌ها نسبت به وقوع آنها، وظيفه‌اي دشوار بر عهده دارد و شناخت آزمون‌ها در راستاي دورانديشي و حقيقت‌گرايي است. چنين رويكردي در «آينده‌پژوهي عرفي و جزئي‌نگر» وجود ندارد و مسائل تنها از زاويه تجربي و سود و زيان مادي بررسي مي‌گردد. در حالي كه در آينده‌پژوهي مهدوي، همه ابعاد و زواياي آينده، مورد تحليل و ارزيابي قرار مي‌گيرد و حوادث و رويدادها به عنوان يك مجموعه و منظومة به هم پيوسته در نظر گرفته مي‌شود. در اين رويكرد انسان مؤمن، بايد هميشه خود را آماده و مجهّز سازد و با آمادگي قبلي و ايماني استوار، با امتحانات گوناگون و پيچيده آينده رو به رو گردد و سربلند از آنها خارج شود. به همين جهت عصر غيبت كبري، دوران بسيار سخت و طاقت فرسايي توصيف شده است؛ چنان‌كه امام كاظم عليه السلام مي‌فرمايد:

«صاحب‌الامر عجل الله تعالي فرجه الشريف چاره‌اي جز غيبت ندارد؛ به طوري كه گروهي از مؤمنان از عقيده خويش برمي‌گردند. همانا غيبت امام امتحاني است از طرف خداوند كه بندگانش را به وسيلة آن آزمايش مي‌كند».[58]

محمد بن مسلم مي‌گويد: از امام صادق عليه السلام شنيدم كه فرمود:

«پيش از قيام قائم مردم دست به گريبان يك امتحان بزرگ خواهند بود. عرض كردم: آن امتحان چيست؟ حضرت اين آيه را قرائت فرمود: >و لنبلونكم بشيء من الخوف و الجوع و نقصٍ من الاموال والأنفس والثَّمرات و بشّرالصابرين<[59]؛ يعني، از ترس و گرسنگي و كم شدن مال و ثروت و از رفتن جان‌ها و ميوه‌ها شما را آزمايش مي‌کنيم و مژده بده به صبركنندگان (به اينكه مهدي ما قيام مي‌كند)».

جبرئيل عليه السلام نيز دربارة امور غيبي، به رسول گرامي اسلام خبر داد:[60]

«امت شما بعد از رحلت‌تان مبتلا به امتحان سنگين مي‌شود؛ آن هم خيلي زود».

سپس فرشتة وحي شروع به شمارش ابتلائات امت پيامبر صلي الله عليه و آله مي‌كند… آن گاه وي راه سلامت ماندن از خطرات را بيان مي‌كند:

«كفّ نفس و بردباري در مقابل تضييع حقوق و كناره‌گيري از مراكز فتنه».[61]

خود رسول گرامي اسلام مي‌فرمايد:

«فتنه‌ها و حوادث سويي پيش خواهد آمد كه آدم خانه‌نشين در آن موقع بهتر از كسي است كه برپا خيزد … هرگاه كسي پناهگاه و جاي امني پيدا كند، البته آنجا پناه ببرد (فَمن وجد فيها ملجأ او معاذاً فَليعُذ به)».[62]

3-7. توان‌انگيزي جمعي (آمادگي آينده‌نگر)

در روايات مربوط به ظهور حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف تأکيد ويژه‌اي بر «تهّيا» شده است. «تهيا» به معناي آمادگي، مهيا شدن، فراهم كردن و… آمده است. «تهّيأت للشيء»؛ يعني، براي آن كار آماده شدم و ساز و برگ آن را فراهم ساختم. كلماتي كه در روايات و ادعيه (مانند «اللهم من تهّيأ و تعَبّأ و اَعدّ و استعد») آمده، به يك معنا هستند.

انسان براي انجام هر كاري و اقدامي، به آمادگي قبلي و فراهم كردن ساز و برگ، نياز دارد؛ هرچند اندازه آن امر مهم‌تر و بزرگ‌تر باشد، نياز به آمادگي پيشين، نيز بيشتر است. آمادگي قبلي، با دانش و اطلاعات پيشين، بهتر صورت مي‌گيرد و هر اندازه انسان نسبت به تحقّق آن و ابعاد و زواياي مختلف آن آگاه‌تر باشد، مي‌تواند اقدامات مناسبت‌تري انجام دهد و آماده‌تر باشد.

يكي از مباحث مهم در «انتظار پويا»، يادكرد مداوم و پيوسته ظهور امام زمان و آمادگي كامل و آگاهانه نسبت به ظهور او و مهيا شدن براي ياري قيام جهاني است. اين آمادگي مي‌تواند ابعاد مختلفي داشته باشد (آمادگي اطلاعاتي، نظامي، سياسي، فرهنگي و …). هر منتظري براساس شرايط زماني و مكاني، بايد آمادگي‌هاي بايسته را در خود فراهم سازد. اين آمادگي فراتر از انتظار و توقّع و ترقّب است؛ اين يعني قراردادن زندگي در مسير ظهور و اعلان همكاري و همراهي با انقلاب جهاني. پيشواي ششم امام صادق عليه السلام مي‌فرمايد:

«بايد هر يك از شما براي خروج قائم آماده باشد (ليعدّن احدكم)؛ هر چند با تهيه كردن تيري باشد. وقتي خداوند ببيند كسي به نيت ياري مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف اسلحه تهيه كرده، اميد است عمر او را دراز كند تا ظهور او را درك نمايد و از ياوران مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف باشد».[63]

«آينده‌پژوهي مهدوي»، ضمن رصد كردن پيشرفت‌هاي نظامي و وضعيت امنيتي سياسي جهان و وقايع و رويدادهاي ناشي از فعاليت‌هاي تسليحاتي و اطلاعاتي، مي‌تواند آگاهي‌هاي لازم را به منتظران ارائه دهد و آنان را در ايجاد آمادگي‌هاي نظامي و سياسي ياري بخشد و سطح آگاهي‌ها و تحليل‌هاي آنها را از اوضاع جهاني بالاتر ببرد. همچنين انگيزه‌هاي لازم را براي بالا بردن توانايي‌هاي جمعي و آمادگي مستمر فراهم سازد.

ياري حضرت مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف بدون اين آگاهي‌ها و توانايي‌ها و اطلاع‌كافي از تغييرات و تحوّلات جهاني، امكان‌پذير نيست؛ در دعاها نيز مي‌خوانيم:

«خداوندا! همچنان كه دل مرا با ياد حجّت خود «مهدي»، آباد و زنده ساختي، سلاح مرا نيز در راه ياري او آماده و آخته‌ساز».[64]

بر اين اساس ياد كرد مداوم نهضت جهاني امام مهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف و آمادگي براي ياري اين انقلاب بزرگ، راهبرد اصلي جامعه منتظر به حساب مي‌آيد. در روايت جالبي از امام كاظم عليه السلام آمده است:

«هر كس اسبي را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن دشمنان ما را خشمگين سازد ـ در حالي كه او منسوب به ماست ـ خداوند روزي‌اش را فراخ گرداند، به او شرح صدر عطا كند، او را به آرزويش برساند و در رسيدن به خواسته‌هايش ياري كند».[65]

کليني از ابوعبدالله جعفي روايتي را نقل مي‌كند كه توجّه به مفاد آن بايسته است:

«حضرت ابوجعفر محمد بن علي باقر عليهما السلام به من فرمود: منتهاي زمان مرابطه (و آمادگي نظامي)، نزد شما چند روز است. عرض كردم: چهل روز. امام فرمود: ولي مرابطه (و آمادگي) ما مرابطه‌اي هميشگي‌ (و پيوسته) است».[66]

علامه مجلسي در شرح اين روايت مي‌نويسد:

«بر شيعيان واجب است كه خود را بر ياري و طاعت امام بر حق آماده سازند (ان يربطوا انفسكم علي طاعة امام الحق) و منتظر فرج باشند و براي ياري نمودنش، مهّيا گردند (يتهيأ لنُصرته)».[67]

به هر حال انتظار حقيقي ظهور، به معناي آماده‌سازي عدّه و عُدّه در تمامي زمينه‌ها است. به قطع پس از ظهور، آن حضرت با جنگ رو به رو خواهد بود؛ پس كساني توان ياري‌اش را خواهند داشت كه كار آزمودة اين ميدان باشند … در عرصه جهاد علمي، مسلّح شدن به سلاح قلم و دانش و تيغ سخن و در عرصه عملي تجهيز به اسلحه رزم و آموختن شيوه‌هاي نوين آن (و مسائل استراتژيك جهاني)، لازمه انتظار حقيقي است. البته بخش مهم پيروزي آن حضرت، مرهون رشد فرهنگي جامعه بشري است.[68]

3-8. برنامه‌ريزي راهبردي (استراتژي انتظار)

يكي از ابعاد آينده‌پژوهي، ارائه اطلاعات و دانش‌هاي لازم براي برنامه‌ريزي‌هاي كلان و بلند مدت است. براي كشورها، سازمان‌ها و مراكز صنعتي و تجاري، داشتن اطلاعاتي لازم دربارة آينده و تحوّلات و پيشرفت‌ها، جهت تصميم‌گيري و تعيين خط مشي‌ها و راهبردها بايسته‌ است.

اين مسأله دربارة كشوري كه هم چشم به آينده موعود دارد و درصدد رسيدن به آن جامعه آرماني است، و هم مي‌خواهد خود را همسان و همساز آن قرار دهد اهميت بيشتري دارد. آينده‌پژوهي مهدوي، مي‌تواند در تنظيم سندهاي چشم‌انداز، برنامه‌هاي توسعه فرهنگي و سياسي نقش مهمي ايفا كند و محوريت «آموزة مهدويت» را در تمامي برنامه‌ها و سياست‌گذاري‌ها تثبيت نمايد.

بنا به نوشته يكي از پژوهشگران:

انقلاب اسلامي بايد از مزيت‌هاي دنياي آزاد كنوني و از ابزارها و تكنولوژي ارتباطات مدرن براي تعميق روابط فردي ـ فرهنگي خود با مسلمانان و تشكيل هسته‌هاي فكري ـ مذهبي، با بهره‌مندي از روح تشكّل‌هاي سنّتي و ديني و استفاده از قوانين و مقرّرات بين‌المللي تشكل‌هاي مردمي و سازمان‌هاي غيردولتي و … بهرة بهينه‌ بگيرد و با الگوسازي جديد از تركيب اين دو، جريان‌هاي خلاق مردمي ـ مذهبي و فعال اجتماعي ـ فرهنگي، را براي شيعيان و مسلمانان علاقه‌مند به پيوستن به قافله آرمان شهر شيعه، راه‌اندازي كند.[69]

نكته مهم در اين برنامه‌ريزي‌هاي راهبردي، حركت دادن جامعه به سمت جامعه آرماني و تلاش براي برپايي حكومت جهاني مهدوي است. امام پنجم عليه السلام مي‌فرمايد:

«به سوي او بشتابيد (فاسعوا اليه) ولو از طريق خزيدن بر روي سينه باشد. به خدا سوگند! گويي بين ركن و مقام ايستاده و با مردم بيعت مي‌كند».[70]

امام صادق عليه السلام نيز مي‌فرمايد:

«… كوشش و سعي داشته و منتظر فرج باشيد (فجدّوا و انتظروا)‌؛ گوارا باد شما را اين عمل بزرگ و عبادت ‌اي گروه رستگاران!» [71]

امام‌خميني رحمه الله عليه با وسعت ديدي كه داشتند، معتقد بودند هم اكنون براي گسترش قدرت اسلام در جهان بكوشيم تا زمينه ظهور چنان كه بايد، فراهم شود:

«هميشه ما انتظار فرج داريم و بايد در اين انتظار خدمت كنيم. انتظار فرج قدرت اسلام است و ما بايد كوشش كنيم تا قدرت اسلام در عالم تحقّق پيدا كند و مقدمات ظهور ان‌شاء‌الله تهيه شود».[72]

از ويكتور هوگو نقل شده است: «آينده از آن هيچ كس نيست؛ كه آينده از آن خداست. آنچه از ما ساخته است، اين است كه براي آينده آماده شويم و خود را براي اجراي آنچه آينده از ما چشم دارد، مهّيا سازيم».[73]

3 ـ 9. شبيه‌سازي (الگوبرداري)

نكته پاياني آنكه فهم آينده، به معناي به دست آوردن تصويري از وضعيت‌هايي است كه در آينده تحقق پيدا مي‌كنند و از آنجا كه اين وضعيت‌ها بستر عمل فرد هستند، بنابراين تصوير مزبور در عمل امروز نيز دخل دارد. هر عملي كه مرتكب مي‌شويم، در مرحله‌اي به تصويري كه از آينده داريم، ربط پيدا مي‌كند و از آن فراتر، بدون تصويري از آينده، اعمال ما صورت نمي‌گيرد. حال درستي فهم طبيعتاً براساس تحقّق آن است و هر قدر وضعيت پيش‌بيني شده به واقعيت نزديك‌تر باشد، فهم درست‌تري در اختيار بوده است. بنابراين برنامه‌ريزي و تصميم‌گيري درست‌تر و مطمئن‌تري هم صورت مي‌گيرد و اقدامات و طرح‌ريزي‌ها نتيجه بخش مي‌شود.[74]

بر اين اساس آينده‌پژوهي مهدوي، مي‌تواند چند رويكرد مهم در اين راستا اتخاذ كند:

1. قرار دادن جامعه مهدوي و دولت و نسل منتظر در مسير انقلاب جهاني مهدوي؛

2. تأثير و ايفاي نقش بنيادين در برنامه‌ريزي‌ها و تصميم‌گيري‌ها با محوريت آموزه‌هاي متعالي مهدوي؛

3. تلاش و برنامه‌ر‌يزي مستمر و پابرجا براي رسيدن به جامعه موعود و تحقّق ظهور و انقلاب جهاني؛

4. الگوبرداري از جامعه آرماني و شبيه‌سازي رفتارها و رويكرد‌ها.

البته انگارة محوري در آينده‌پژوهي مهدوي، اين است كه هنگامه ظهور كاملاً پوشيده و ناگهاني است؛ بنابراين وجهة همت آن شناسايي تمامي پديده‌ها و رويدادهايي است كه در حول و حوش آن اتفاق مي‌افتد. رسول اكرم صلي الله عليه و آله مي‌فرمايد:

«ظهور او مانند قيامت است. تنها خداوند است كه چون زمانش فرا رسد، آن را آشكار مي‌سازد. فرا رسيدن آن بر آسمانيان و زمينيان پوشيده است؛ جز به ناگهان، فرا نمي‌رسد».[75] و[76]

پس اصل اطلاع از زمان ظهور، از دايره آينده‌پژوهي خارج است؛ ولي بسياري ديگر از مباحث مربوط به آن (چون نشانه‌هاي ظهور، علايم آخرالزمان، شرايط ظهور و …) در گسترة آن قرار مي‌گيرد.

نتيجه: مهدويت‌پژوهي و آينده‌پژوهي

به رغم پندار برخي، صرف توجه به «آينده»، نقطه پيوند و اشتراك مهدويت‌پژوهي وآينده‌پژوهي نيست؛ بلكه نوع نگاه به آينده و روش‌ها و دستاوردهاي آن دو مي‌تواند، نقطه ارتباط و تعامل آنها باشد. در اين نوشتار، بحث مستقل «آينده‌پژوهي مهدوي» را طرح كرده و ادله و ابعاد مختلف آن را کاويديم. روشن شد كه در «آموزه مهدويت»، زمينه‌ها و مؤلفه‌هاي فراواني براي «آينده‌پژوهي» وجود دارد و اين آموزه از ظرفيت فراواني براي تحليل و ارزيابي حوادث و رويدادهاي آتي برخوردار است. در عين حال مي‌توان پيوندهايي نيز بين مهدويت‌پژوهي و آينده‌پژوهي برقرار كرد كه به بعضي از آنها ‌به صورت گذرا اشاره مي‌شود:

1. امكان بهره‌وري از بعضي مؤلفه‌هاي «آموزه مهدويت» در تحليل و ارزيابي درست پديده‌ها و رويدادهاي جهاني و فهم دقيق اين تغييرات و تحولات؛

2. برنامه‌ريزي مناسب در جهت تبيين و ترويج آموزة مهدويت در سطح فراگير و جهاني با كمك يافته‌هاي آينده‌پژوهي دربارة پيشرفت‌ها و پسرفت‌هاي جهاني و تحولات فرارو؛

3. روش‌مند كردن پژوهش‌هاي مهدوي (ارائه تصوير و طرحي واقعي از آينده مطلوب) با بهره‌گيري از روش‌ها و تكنيك‌هاي آينده‌پژوهي؛

4. بهره‌گيري از آموزه‌هاي مهدوي در سطوح مختلف برنامه‌ريزي و تصميم‌گيري ملّي، همراه با استفاده از يافته‌هاي آينده‌پژوهي از اوضاع جهاني؛

5. بررسي نقش و جايگاه آموزه مهدويت، در تحوّلات و دگرگوني‌هاي آينده و ايجاد آمادگي جمعي و جهاني براي رودرويي با اين تغييرات؛

6. شناخت چالش‌ها و بحران‌هاي فراروي زندگي بشري كه از طريق آينده‌پژوهي پيش‌بيني مي‌شود و ارائه راه‌حل‌هاي رفع اين بحران براساس دكترين مهدويت؛

7. بهره‌وري از «آينده‌پژوهي» در جهت ايجاد دورانديشي جمعي و توجه ويژه به آينده (براي طرح و تبليغ آموزه‌هاي مهدويت در جامعة جهاني) و ….

در پايان بيان اين نكته بايسته است كه لازمه «مهدويت‌پژوهي» در سطح كلان و علمي، «آينده‌پژوهي مفهومي» است؛ يعني نظام‌مندي پژوهش‌ها و كاوش‌هاي علمي درباره آينده مطلوب و ممكن ـ با رويكرد مهدوي ـ و نظريه‌پردازي در اين زمينه، منوط به بهره‌گيري از محمل‌هاي مفهومي است. نگارنده اين رويكرد را با بهره‌گيري از محمل مفهومي دولت (دولت اخلاقي مهدوي) پي‌جويي كرده و آينده جهان را براساس تصوّرات و تطوراتي كه از طريق دولت متبادر مي‌شود، مورد كاوش قرار داده است. براساس اين محمل مفهومي و به كمك آيات و روايات، مي‌توان تصويري نسبتاً روشن از وضعيت‌ها و رويدادهاي آينده ارائه داده و واقعيت‌هاي آن را باز گفت. البته شناسايي اين محمل مفهومي و درك درست آن و تناسب آن با واقعيت‌هاي آينده، امري پيچيده و نيازمند مطالعه و تأملات نظري است. اين رويكرد پژوهشي و علمي به آينده، مي‌تواند تفاسير و تبيين‌هاي تاريخي را در سطح كلان و هدفمند مطرح سازد و الگوها و قوانيني براي جريان كلّي تاريخ ارائه دهد. اين آينده‌پژوهي مفهومي، غير از آينده‌پژوهي رايج در دنيا است كه در سطح محدود، نگاه‌ها را به تحوّلات و رويدادهاي فرارو متوجّه مي‌سازد و در برنامه‌ريزي‌ها و تصميم‌گيري‌ها دخيل است و توانايي تحليل جامع تاريخي از جهان و رويکرد نظري به آينده‌شناسي را ندارد.

[1]. پروميچيچ، آينده پژوهي و مديريت آينده، تهران، مركز آينده پژوهي و اطلاع رساني، 1387، ترجمه عبادالله حيدري، ص11.

[2]. نك: گروه مديريت تکنولوژي مرکز صنايع نوين، گزارش اول، وزارت صنايع و معادن، خرداد 1381.

[3]. نك: موسي اکرمي، «روش‌هاي آينده‌نگاري تكنولوژي توسعه فردا»، آينده‌انديشي و آينده‌نگري گروه آينده‌انديشي، بنياد.

[4]. نك: علي پايا، آينده علوم انساني، فصل‌نامه حوزه و دانشگاه، ش 49 (سال 12، زمستان 1385)، ص‌12.

[5]. نگارنده، آينده جهان، (چاپ اول، قم، مرکز تخصصي مهدويت، 1383)، ص‌23؛ به نقل از: محمد جواد لاريجاني، درس‌هاي سياست خارجي، (چاپ اول، تهران: مشكوة: 1377) ص‌268.

[6]. همان.

[7]. Keenan, Michael, “Technology Foreight: An introduction”, Technology Foresight for Orgonizers, 8-12, Ahklara, Turkey, December 2003.

[8]. همان.

[9]. پروميچيچ، پيشين، ص10.

[10]. نك: الفباي آينده پژوهي، ص‌21 و 22؛ جان دال، راهنمايي براي آشنايي با ادبيات آينده پژوهي، تهران، (مؤسسه آموزش و تحقيقاتي صنايع دفاعي، 1385)، صص‌15 ـ 25.

[11]. روح‌الله قديري، «بررسي چند تجربه ملي آينده‌نگاري»، مجموعه‌مقالات دومين کنفرانس مديريت تکنولوژي، تهران، ارديبهشت 1386.

[12]. نگارنده، جستارهايي در مهدويت، قم، مرکز تخصصي مهدويت، 1386، ص‌30.

[13]. نك: نگارنده، آينده جهان (دولت و سياست در انديشه مهدويت)، ص‌23 و 24.

[14]. جيمز، دي‌تور، آينده پژوهي به عنوان دانش كاربردي، رهيافت، ش 20، ص‌105.

[15]. علي پايا، آينده علوم انساني، فصل‌نامه دفتر حوزه و دانشگاه، ش 49، ص‌13.

[16]. عقيل ملكي‌فر و ديگران، الفباي آينده پژوهي، ص‌70 و 71.

[17]. رابرت جي، لمپرت و ديگران، برنامه‌ريزي پا برجا براي يك قرن، ترجمه وحيد وحيدي مطلق، (چاپ اور، تهران: انديشکده صنعت و فن‌آوري، 1385) صص‌24 ـ 27.

[18]. براي مطالعه بيشتر، ر.ك، همان، ص‌24 ـ 30؛ سعيد خزائي، عبدالرحيم پدرام؛ راهنماي گام به گام آينده پژوهي راهبردي، تهران، دانشگاه مالك اشتر، 1387، ص44 ـ 88.

[19]. محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، تهران، مكتبة الصدوق، 1397ق، ص‌162؛ محمد باقر مجلسي، بحارالانوار، بيروت، موسسه الوفاء، 1404ق، ج 2، ص‌250.

[20]. شيخ مفيد، الاختصاص‌، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، 1413ق، ص‌208؛ شيخ صدوق، عيون اخبار الرضا، تهران، جهان، 1378ج 2، ص‌130؛ «من هذا مهدي هذه الامّة... لا تذهبُ الدّنيا حتّي يقومَ رَجُلٌ من وُلد الحسين يملأها عَدْلاً كَما ملئتْ ظلماً و جوراً»؛

[21]. «اِنَّ هذا اَمرٌ من اَمْرِ الله و سرٌّ من سرِّ الله. عِلَّتُه مَطوّية عن عباد الله. فَإياك والشَكَّ فَإن الشكَّ في اَمْرِاللهِ كُفْرٌ»؛ فضل بن حسن طبرسي، اعلام الوري، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ج سوم، 1390ق، ص‌399؛ مجلسي، پيشين، ج 51، ص‌73.

[22]. «... هو القائم بالحقّ و المُظهِرُ للدّين و الباسِطُ لِلْعَدل. اي والّذي بَعَث مُحمداً بالنُبّوة و اَصْطَفاه علي جميع البرَية»؛ سيد مصطفي كاظمي، بشارة‌الاسلام، نجف، بي‌نا، 1382، ص‌52؛ لطف الله صافي گلپايگاني، ‌ منتخب‌الاثر، قم، سيدة المعصومه، 1419ق، ص‌467.

[23]. حسن مصطفوي، التحقيق في كلمات القرآن، ج 12، ص‌166.

[24]. علي اكبر قرشي، قاموس قرآن، ج 13، ص‌81.

[25]. ناصر مكارم شيرازي و ديگران، تفسير نمونه، قم، نسل جوان، 1374، ج 12، ص‌295 و 407.

[26]. بهاء‌الدين خرمشاهي، دانش‌نامه قرآن و قرآن پژوهي، تهران، ناهيد، 1377، ج 2، ص‌2241.

[27]. نك: محمد تقي موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، ج 2، ص‌235.

[28]. مجلسي، بحارالانوار، ج 52، ص‌133.

[29]. «إذا رأيتَ الحاجَةَ و الفاقَةَ قد كَثُرتا واَنكَرَ بَعضُهُم بَعْضاً و... فانتظروا اَمرَ الله»؛ نعماني، الغيبة، ص‌156؛ بحارالانوار، ج 52، ص‌270.

[30]. «إذا وُسِدَ الأمرُ الي غيرِ اَهلِه فَانتظِر الساعة»؛ البيان والتعريف، ج 1، ص‌80؛ به نقل از: حسن مصطفوي، پيشگوئي‌ها در علايم آخرالزمان، (چاپ دوم، تهران: مركز نشر آثار علامه مصطفوي، 1386)ص‌42.

[31]. نك: سيد حسن ميرجهاني، نوائب الدهور، نجف، كتابخانه حيدريه، 1376، ج1، ص‌291.

[32]. سيد محمد كاظم قزويني، امام مهدي از تولد تا بعد از ظهور، چ اول، قم، انتشارات مسجد جمكران، 1378، ص299.

[33]. نك: سيد محمد صدر، تاريخ غيبت كبري (چاپ اول، تهران: نيك معارف، 1382)، ص‌229 ـ 232.

[34]. سيد هاشم بحراني، البرهان في تفسير القرآن، قم، موسسه بعثت، 1417ق، ص‌147؛ مجلسي، پيشين، ، ج 51، ص‌147.

[35]. علي كوراني، عصر ظهور، چاپ نهم، تهران، انتشارات شركت چاپ ونشر بين الملل؟، 1386.ص‌206.

[36]. نك: محمدرضا حكيمي، خورشيد مغرب (چاپ 25، قم: دليل ما، 1382)، ص‌321؛ نگارنده،‌فروغ حق: مصاف حق و باطل از نهضت حسيني تا انقلاب مهدوي، چاپ اول، قم: مركز تخصصي مهدويت، 1387)ص‌207 ـ 327.

[37]. نك: محمد مهدي آصفي، انتظار پويا، چاپ اول، قم، مركز تخصصي مهدويت، 1358، ص‌41 ـ 42.

[38]. «... لا يكونُ ما تمُدُّونَ اليه اَعْينَكُم حتّي يشقي من يشقي و يسعَدَ مَنْ يسْعَدَ»؛ نعماني، الغيبة، ص‌111؛ بحارالانوار، ج 52، ص‌111.

[39]. نك: علي اكبر قرشي، قاموس قرآن، ج 3، ص‌234 و 235؛ ناصر مكارم شيرازي و ديگران، پيشين، ج 23، ص‌199.

[40]. شيخ عباس قمي، مفاتيح‌الجنان، زيارت صاحب‌الامر.

[41]. «إذا رأيتم ناراً مِنَ المشرقِ شِبهَ الهردي العظيم تطلَعُ ثلاثَةَ ايام او سبعةٍ فَتَوقَّعَوا فَرَجَ آل محمد صل الله عليه و آله...»؛ موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، چاپ پنجم، قم، انتشارات مسجد جمكران، 1380، ج 2، ص‌184.

[42]. «تَوَقّعوا الصوتَ يأتيكم بَغتَةً مِن قِبَلِ دِمَشقٍ فيهِ لَكُم فَرجٌ عظيم»؛ نعماني، پيشين، ص‌279.

[43]. سيد رضي، نهج‌البلاغه، 260، ص‌126؛ صافي گلپايگاني، پيشين، ص‌314.

[44]. شيخ طوسي، كتاب الغيبه، قم، موسسه معارف اسلامي، 1411ق، ص‌276؛ نعماني، پيشين، ص‌83 و 84.

[45]. قصص(28):21.

[46]. سيد علي اكبر قريشي، پيشين، ج 2، ص‌112 و 113.

[47]. ناصر مكارم و ديگران، پيشين، ج 4، ص‌49 و ج 21، ص‌218.

[48]. مفاتيح‌الجنان، زيارت صاحب‌الامر.

[49]. مجلسي، پيشين، ، ج 52، ص‌256؛ صافي گلپايگاني، پيشين، ص‌425.

[50]. «اذا زَهقَ الزاهق و خَفَتِ الحقايق و لَحِق اللاحق و ثَقُلت الظّهُور و تَقارَبَتِ الامور و حُجِب‌النشور... و يفتحون العراق و يحجمون الشقاق بِدَمٍ يراق، فعند ذلك تَرقَّبوا خروجَ صاحب‌الزمان»؛ سيد مصطفي كاظمي، پيشين، ص‌74؛ محمد خادمي شيرازي، نشانه‌هاي ظهور او، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات مسجد جمكران، 1385، ص‌99 و 100.

[51]. ابن شعبه حرّاني، تحف‌العقول، ص‌31؛ مجلسي، پيشين، ج 52، ص‌258.

[52]. نك: محمد بن يعقوب كليني، كافي، تهران، دارالكتب الاسلامية، 1365ج 8، ص‌381، ح 576.

[53]. جواهرالكلام، ج 21، ص‌43.

[54]. «اُحَذِّركُم سَبع فتنِ تكونْ بعد فتنة تُقبلُ من المدينة و فتنة بمكة... قال ابن‌مسعود: منكم من يدرِكُ اولّها و من هذه‌الامة من يدرِك آخِرَها»؛ ابن طاووس، الملاحم و الفتن، چاپ بيروت، ص‌21؛ محمد خادمي شيرازي، نشانه‌هاي ظهور او، چاپ دوازدهم، قم، انتشارات مسجد جمكران، 1385، ص‌62.

[55]. «ايها الناس اربع خلال من استطاع ان لا يدركه شيء منهنُّ فلا يدركه، قالوا و ما هي قال: يأتي زمانٌ يظهر فيه الباطل و يصبح الرجل علي دين و...»؛ طبقات، ج 3، ص‌588؛ به نقل از: حسن مصطفوي، پيشگويي‌ها در علايم آخرالزمان. چاپ دوم، تهران، مركز نشر آثار علامه مصطفوي، 1386، ص45.

[56]. موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، چاپ پنجم، ، 1380، ج 2، ص‌186؛ محمد خادمي شيرازي، نشانه‌هاي ظهور او، چاپ دوازدهم، قم، مسجد جمكران، 1385، ص‌125.

[57]. مجلسي، پيشين، ج 52، ص‌358.

[58]. همان، ص‌113.

[59]. شيخ مفيد، ارشاد، قم، كنگره جهاني هزاره شيخ مفيد، 1413ق، ص‌352 (بقره(2): 155).

[60]. «اِن امّتَكَ سَتُفتَنُ بعدک بقليلِ زمانٍ من دهرك غير كثير...»؛ سيد حسن ميرجهاني، پيشين، نوائب الدهور، ص‌166.

[61]. «بالكفّ والصَّبر اِن اعطُوا الذي لَهُم اَخَذوه و ان مُنِعوا تَرَكوه»؛ همان.

[62]. صحيح مسلم، ج 8، ص‌168.

[63]. «ليعدَّن احدكم لخروج القائم و لو سهماً...»؛ نعماني، پيشين، ص‌32، ح 10؛ مجلسي، پيشين، ج 52، ص‌366.

[64]. «اللهم كما جَعلَتَ قلبي بذكره معمورا، فاجعل سلاحي بنصرته مشهوراً»؛ مفاتيح الجنان، زيارت امام در سرداب مقدس.

[65]. «من ارتَبَط دابّةً متوّقِعاً به امرنا و يغيظ به عدوَّنا و هو منسوبٌ الينا اَدَّر اللهُ رِزقه و شَرَحَ صَدرَه و بَلَّغَهُ اَمَله و كان عَوناً علي حوائجه»؛ شيخ كليني، پيشين، ج6، ص‌535، ح 1.

[66]. «قال لي ابوجعفر محمد بن علي عليهما السلام: كم الرّباط عندكم؟ قلت: اربعون. قال عليه السلام: لكن رباطَنا الدَّهر»؛ همان، ج8، ص‌381، ح 576.

[67]. علامه مجلسي، مرآة العقول، ج 26، ص‌586.

[68]. نك: جوادي آملي، موعود موجود، (چاپ اول: قم، اسراء، 1387)، ص‌166.

[69]. محمد علي زم، جمهوري جهاني شيعه(چاپ اول، تهران: كتاب جمهور، 1384)، ص‌93.

[70]. «... فاسعوا اليه و لو حبوا و الله كأنّي انظر اليه بين الرُّكنِ والمقام يبايع الناس»؛ موسوي اصفهاني، مكيال المكارم، (چاپ پنجم، قم، مسجد جمكران، 1380)، ج 2، ص‌184.

[71]. «... فجدّوا و انتظروا هنيئاً لكم ايتّها العصابة المرحومة»؛ نعماني، پيشين، ص‌108.

[72]. صحيفه نور، ج7، ص255.

[73]. محمد رضا حكيمي، خورشيد مغرب، چاپ بيست و پنجم، قم. انتشارت دليل ما، 1382، ص284 (به نقل از مجله سخن، دوره 20، ص126).

[74]. نك: نگارنده، آينده جهان،‌ ص‌20 و 21.

[75]. «مثله مثل الساعة الّتي لا يجلّيها لوقتها الّا هو ثقلت في السماوات و الأرض لاتأتيكم الابغتة»؛ اعراف(7): 187.

[76]. شيخ صدوق، كمال‌الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، چ2، 1395ق، ج 2، ص‌373.